

به نام خدا

اصول و مبانی حسابداری در تعاونی‌ها

تألیف و تدوین / عربعلی هراتیان

سرشناسه: هراتیان، عربعلی ۱۳۴۳

عنوان و نام پدید آور: اصول و مبانی حسابداری در تعاونی‌ها / تألیف و تدوین
عربعلی هراتیان.

مشخصات نشر: تهران: سپهر اندیش: تانیان، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ۳-۱۳-۵۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان دیگر اصول و مبانی حسابداری در تعاونی‌ها.

عنوان دیگر: اصول و مبانی حسابداری در تعاونی‌ها

موضوع: تعاونی‌ها - حسابداری

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹-۴۴ هـ ۴۵ ش / HF ۵۶۸۶

رده بندی دیویی: ۶۵۷/۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۵۵۴۷۲

انتشارات سپهر اندیش

اصول و مبانی حسابداری در تعاونی‌ها

عربعلی هراتیان / نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

چاپ: توحید

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۳۱-۱۳-۳

کلیه حقوق چاپ و نشر به عهده ناشر می‌باشد.

تهران: خیابان مطهری، خیابان مفتح، کوچه بخشی موقر پلاک ۴۳، طبقه ۴.

تلفن: ۸۸۳۱۱۵۹۸-۹ نمابر: ۸۸۸۳۷۴۶۷

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول – آشنایی با تعاریف و مفاهیم حسابداری

فصل دوم – مبانی نظری و مفاهیم اساسی حسابداری

فصل سوم – گردش پول

فصل چهارم – آشنایی با حساب مطالبات

فصل پنجم – حسابداری خرید و فروش در مؤسسات بازرگانی

فصل ششم – آشنایی با روش‌های ارزیابی موجودی کالا

فصل هفتم – کالای امانی و حق العمل کاری

فصل هشتم – حسابداری دواير و شعب

فصل نهم – تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش

فصل دهم – طبقه بندی نسبت‌های مالی

مقدمه

ایجاد و توسعه روز افزون مؤسسات بزرگ بازرگانی، تولیدی، صنعتی و عمومی یکی از خصوصیات بارزی است که غالباً به بالا بردن سطح زندگی و استفاده از وسایل ماشینی و امکانات پیشرفته سریع اقتصادی و اجتماعی و صنعتی در هر کشور منجر خواهد شد و رزانه صدها شرکت و کارخانه کوچک و بزرگ در ممالک پیشرفته و در حال توسعه تأسیس می‌شود.

با به وجود آمدن این شرکت‌ها و کارخانجات انتفاعی و عام المنفعه، اداره صحیح این مؤسسات نیز از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار است و معمولاً مدیران و مسئولین مؤسسات مزبور بی‌نیاز از آشنایی با حسابداری و اصول و مفاهیم آن نیستند. این احتیاج مخصوصاً در سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی و انتفاعی بیشتر احساس می‌شود. در حقیقت می‌توان حسابداری را زبان مشترک معامله‌گران، مدیران و مشتریان مؤسسات بازرگانی و نبض این قبیل مؤسسات دانست.

نتایج حاصل از عملیات حسابداریست که خطاها و نقایص عملکرد گذشته را آشکار می‌سازد و راهنمای برنامه‌های آینده است. برای اجرایی موفقیت آمیز برنامه‌های یک مؤسسه تجاری، تولیدی صنعتی باید در طرح و اجرای این برنامه‌ها از ارقام و اعدادی که حسابداری عرضه می‌دارد استفاده کامل بشود. سیستم حسابداری ابزاری است که هر زمان وضع مالی و قدرت اقتصادی یک مؤسسه را نمایش می‌دهد و باید کسانی که مدیریت و هدایت مؤسسات مالی و اقتصادی را عهده دارند از ارزش

واقعی و اهمیت گزارش‌های مالی و صورت حساب‌ها آگاه باشند و استفاده بهینه و صحیح بنمایند.

در این راستا هم اکنون مشاهده می‌گردد مسئولین و مدیران برخی مؤسسات نتیجه عملیات حسابداری یعنی صورت حساب‌ها و گزارشات مالی را فقط فهرستی از ارقام و اعداد تلقی می‌نمایند که حاکی از دریافت و پرداخت وجوه و چگونگی عملیات گذشته می‌باشد.

و یا اینکه گزارش‌های مذکور منحصرأً برای کنترل صحت و صداقت عملکرد کارکنان مؤسسه به شمار می‌رود. آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت این گزارش‌ها و اطلاعات حاصل از آن‌ها در تصمیمات مدیران و مسئولان امور مؤسسات و سایر افراد و مقامات ذی صلاح می‌باشد.

از طرفی از زمان شروع حسابداری دابل، حسابداری به تدریج توسعه یافته و این توسعه در هر دانش یا فن محتاج به یک سری قوانین شناخته شده است.

از این رو دستورالعمل‌های باید به وجود آید تا اطمینان دهد که رویدادهای مالی متشابه توسط هر شخص یا مؤسسه‌ای به شیوه مشابه گزارش می‌شود و تا زمانی که روش‌های متفاوتی برای ثبت یک رویداد اقتصادی و مالی وجود داشته باشد نظیر محاسبه استهلاك دارایی‌های ثابت یا ارزشیابی موجودی کالا و مواد، این دستورالعمل‌ها ما را ملزم می‌سازند که روش انتخابی را در صورت‌های مالی افشا نماییم.

از آنجایی که هر حسابدار باید اصول حسابداری را رعایت نماید. نتیجه آن است که یک سیستم هماهنگ در گزارش مالی حاصل می‌شود که اطلاعاتی برای استفاده کنندگان بعدی از صورتهای مالی را فراهم می‌آورد که اهم آنها عبارتند از عینی، قابل درک، قابل مقایسه با سالهای قبل و بین شرکتهای و مؤسسات دیگر می‌باشد، و عدم رعایت این دستورات عملها صورتهای مالی را دچار هرج و مرج خواهد کرد.

فصل اول: آشنایی با تعاریف و مفاهیم حسابداری

تعریف حسابداری

برای حسابداری تعاریف متعددی وجود دارد

ابتدا حسابداری را فن ثبت، طبقه بندی، تلخیص اطلاعات مالی یا رویدادهایی که اثرات مالی دارند و تفسیر فعالیتها و نتایج مالی آن در یک مؤسسه تعریف نموده‌اند. و لیکن امروزه حسابداری را می‌توان فرایند شناسایی، اندازه گیری، طبقه بندی و گزارش اطلاعات مالی به منظور فراهم کردن امکان قضاوت آگاهانه و اتخاذ تصمیم منطقی توسط استفاده کنندگان اطلاعات مالی تعریف نمود.

آنچه در تعریف حسابداری از اهمیت بالایی برخوردار است اینکه: اولاً: حسابداری دانشی است که اطلاعات مالی را تجزیه و تحلیل و اندازه گیری می نماید و امروزه حسابدار به عنوان بازوی مدیریت در تصمیم گیریهای اقتصادی می‌باشد و باید اطلاعات مالی را تجزیه و تحلیل نماید و اثرات اقتصادی و مالی آنها را بررسی

نموده و نتایج حاصله را ارزیابی کند و این تجزیه و تحلیل حسابدار است که به حرفه و دانش حسابداری اعتبار و اهمیت می‌بخشد.

ثانیاً: اطلاعات مالی پس از اینکه تجزیه و تحلیل شدند باید ثبت و جمع آوری و طبقه بندی شوند. در واقع حسابداری یک سیستم منظم و مرتبط برای ثبت و نگهداری اطلاعات می‌باشد.

ثالثاً: حسابداری اطلاعات مالی را تلخیص می‌نماید و فعالیتی است که به تولید اطلاعات به شکل صورت‌های مالی و دیگر شغل‌ها می‌پردازد و مسئولیت امر حسابداری با مدیران شرکت‌ها است.

استفاده کنندگان اطلاعات مالی

استفاده کنندگان اطلاعات مالی کسانی اطلاق می‌شود که انتظار می‌رود در مورد اطلاعات مالی گزارش شده قضاوت کنند یا بر مبنای آن تصمیماتی اتخاذ نمایند. استفاده کنندگان از حسابداری به دو بخش تقسیم نموده‌اند:

الف - استفاده کنندگان داخلی (درون سازمانی)

معمولاً سطوح مختلف مدیران درون واحدی، هیئت مدیره و مدیر عامل و مدیران اجرایی و سرپرستان عملیات یک مؤسسه استفاده کنندگان درون سازمانی می‌باشند.

ب - استفاده کنندگان خارجی (برون سازمانی)

هر فرد یا مراجع و مؤسسه ذی‌نفع که حق دریافت اطلاعات مالی از یک مؤسسه را دارد و بر مبنای آن اطلاعات با مؤسسه دادوستد و درباره آن مؤسسه قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کند. استفاده‌کننده برون سازمانی می‌باشد که می‌توان سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان، دولت، بستانکاران، بانک‌ها، رقبا و صاحبان سهام و سایر استفاده‌کنندگان خارج از واحد اشاره نمود.

طبقه بندی حساب‌ها

حساب‌ها معمولاً بر حسب ویژگی‌های مشترکشان در دفتر کل به طبقات، دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام (سرمایه)، درآمدها و هزینه‌ها تقسیم می‌شوند.

دارایی‌ها

دارایی‌ها معرف منابع اقتصادی است که در نتیجه فعالیت‌ها و رویدادهای گذشته توسط واحد تجاری مشخص، تحصیل شده و دارای منافع اقتصادی آتی است.

دارایی‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف - دارایی‌های جاری

ب- دارایی‌های غیر جاری

الف - دارایی‌های جاری

اقلامی از دارایی که نقد هستند و یا قابلیت تبدیل به نقدینگی در یک دوره مالی امکان پذیر گردد. یا به عبارتی شامل وجوه نقد و سایر دارایی‌هایی است که به طور معمول انتظار می‌رود طی چرخه عادی عملیات واحد تجاری یا ظرف یکسال هر کدام طولانی‌تر است به وجه نقد تبدیل شود، به فروش رود یا به مصرف برسد. مانند:

۱- الف) وجه نقد شامل

موجودی نزد بانکها، صندوق، تنخواه گردان، وجوه بین راهی، سپرده‌های کوتاه مدت، مسکوکات و ...

۲- الف) سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت

سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت عمدتاً به شکل خرید سهام یا اوراق قرضه سایر واحدهای تجاری، اوراق قرضه و یا به صورت سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه مدت در بانکها انجام می‌گیرد. ویژگی اساسی سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت علاوه بر سودی که حاصل می‌کند، امکان دسترسی سریع به وجوه سرمایه گذاری شده به هنگام نیاز است.

بنابراین مبنای تفکیک سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت ماهیت هدف سرمایه گذاری است به عبارتی آن دسته از سرمایه گذاری‌هایی که به قصد بیش از یک سال مالی باشد تحت عنوان سرمایه گذاری بلند مدت طبقه بندی می‌گردد.

بر اساس استانداردهای حسابداری سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت در سهام و اوراق بهادار به اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار ارزیابی و در ترازنامه گزارش می‌شود.

۳- الف) حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری:

حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری ناشی از فروش کالا یا خدمات ارائه شده به مشتریان واحد تجاری است. مطالباتی که متکی بر چک‌های دریافتی از مشتریان است به عنوان اسناد دریافتنی شناسایی و ثبت می‌گردد.

حساب‌ها و اسناد دریافتنی در تاریخ ترازنامه به ارزش خالص بازیافتنی نمایش داده می‌شود و نسبت به آن دسته از حساب‌هایی که در صول آنها تردید وجود دارد ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در نظر گرفته می‌شود و در ترازنامه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول از مانده حساب‌های دریافتنی کسر می‌گردد و خالص آن نمایش داده می‌شود.

۴- الف) سایر حساب‌ها و اسناد دریافتنی

سایر حساب‌ها و اسناد دریافتنی به آن دسته از مطالباتی اطلاق می‌شود که ناشی از فروش کالا و خدمات نبوده و مرتبط به عملیات اصلی واحد تجاری نمی‌باشد. (از قبیل وام و مساعده پرداختنی به کارکنان، سپرده‌های دیگران نزد ما و ...) نحوه حسابداری و انعکاس سایر حساب‌ها و اسناد دریافتنی مشابه حسابها و اسناد دریافتنی تجاری است.

۵- الف) موجودی مواد و کالا

موجودی مواد و کالا عمدتاً شامل اقلام زیر است:

کالای ساخته شده، کالای در جریان ساخت، مواد اولیه، قطعات و لوازم یدکی، کالای در راه، کالای امانی نزد دیگران.

موجودی مواد و کالا به بهای تمام شده در حساب‌ها ثبت می‌شود و در پایان سال مالی به اقل بهای تمام شده یا بازار ارزشیابی می‌شود. اگر بهای تمام شده بیشتر از ارزش بازار باشد نسبت به مابه‌التفاوت آن نخیره کاهش ارزش موجودی‌ها شناسایی و در حساب‌ها ثبت می‌شود.

نکته:

کالای امانی دیگران نزد ما نباید به عنوان موجودی مواد و کالا ثبت شود بلکه بایستی در سرفصل حساب‌های انتظامی نمایش داده شود.

۶- الف) سفارشات و پیش پرداخت‌ها

اساساً هر نوع پرداخت به منظور انتفاع آتی را پیش پرداخت می‌گویند. مثلاً پیش پرداخت بابت بیمه سال آینده که در سال بعد به حساب هزینه‌ها منظور می‌گردد. با پیش پرداخت خرید مواد اولیه که در سال بعد تبدیل به موجودی مواد و کالا می‌گردد. پیش پرداخت‌ها نیز مانند بقیه اقلام دارایی ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت باشند پیش پرداخت‌های کوتاه مدت (قابل تبدیل به موجودی با هزینه) در سرفصل دارایی‌های جاری طبقه بندی می‌گردد و پیش پرداخت‌هایی که در سال‌های آینده تبدیل به دارایی ثابت می‌گردد به عنوان پیش پرداخت سرمایه‌ای ذیل جدول دارایی‌های ثابت مشهود طبقه بندی می‌گردد.

ب: دارایی‌های غیر جاری

اقلامی از دارایی‌های که یا غیر منقول یا به صورت منقول هستند و نمی‌توان آن‌ها را در ردیف دارایی‌های جاری طبقه بندی نمود.

گروه‌های عمده دارایی‌های غیر جاری شامل:

دارایی‌های ثابت مشهود

دارایی‌های ثابت نامشهود

سایر دارایی‌ها

۱- ب) دارایی‌های ثابت مشهود

به دارایی‌های اطلاق می‌شود که در روال عادی عملیات واحد تجاری به گونه‌ای مؤثر مورد استفاده قرار گیرند یا انتظار می‌رود که طی مدت زمانی معقول در آینده بهره برداری از آن‌ها آغاز خواهد شد. مشخصات دارایی مزبور اینک:

- دارایی موجودیت عینی باشد و به قصد سرمایه گذاری و فروش مجدد تحصیل نشده باشند.

- عمر نسبتاً طولانی داشته باشند.

- دارای منافع آتی قابل اندازه گیری باشند.

بر اساس استانداردهای حسابداری دارایی‌های ثابت به بهای تمام شده ثبت می‌شود. بهای تمام شده عمدتاً بهای خرید اولیه و هزینه‌های جانبی تا مرحله نصب و بهره برداری می‌باشد. طبق اصل بهای تمام شده افزایش در ارزش بازار دارایی‌های ثابت

به عنوان افزایش در نظر گرفته نمی‌شود. و بر اساس اصل «تطابق درآمد و هزینه» استفاده از دارایی‌های ثابت با محاسبه هزینه استهلاک (تخصیص بهای تمام شده دارایی‌های تحصیل شده در طول سنواتی که انتظار می‌رود از به کارگیری دارایی‌های مزبور انتفاع حاصل شود) در حساب‌ها منظور می‌گردد.

با توجه به موارد فوق الذکر هزینه‌های مرتبط با دارایی‌های ثابت نیز قابل تفکیک می‌باشند:

الف - هزینه‌های سرمایه‌ای

مخارج بهسازی و تعمیرات اساسی که باعث افزایش قابل ملاحظه‌ای در ظرفیت یا عمر مفید دارایی‌های ثابت یا بهبود اساسی در کیفیت بازدهی آن‌ها می‌گردد به عنوان مخارج سرمایه‌ای محسوب در طی عمر مفید باقی مانده دارایی‌های مربوط مستهلاک می‌شود.

ب- هزینه‌های جاری

هزینه‌های جاری نگهداری و تعمیرات جزئی که به منظور حفظ یا ترمیم منافع اقتصادی مورد انتظار واحد تجاری از استاندارد عملکرد ارزیابی شده اولیه دارایی انجام می‌شود و هنگام وقوع بعنوان هزینه‌های جاری تلقی و به سود و زیان دوره منظور می‌گردد.

دارایی‌های ثابت در صورتی که :

۱- واگذار شود یا انتظار انتفاع وجود نداشته باشد از صورت‌های مالی حذف می‌شود.

۲- چنانچه قسمتی از دارایی‌های ثابت از رده خارج گردد و مورد بهره برداری قرار نگیرد و برای واگذاری نگهداری شود باید از گروه دارای ثابت خارج و به سایر دارایی‌ها منتقل گردد.

۲- ب) دارایی‌های نامشهود

به آن گروه از دارایی‌های بلند مدت اطلاق می‌شود که فاقد موجودیت عینی است، اما به لحاظ حقوق و مزایایی که مالکیت بر آنها فراهم می‌آورد، دارای ارزش است. از این دسته‌اند اقلامی نظیر حق امتیاز، علائم تجاری، سرقتی و حق اختراع و دانش فنی. اقلام نامشهود تنها هنگامی به عنوان دارایی شناسایی و در ترازنامه گزارش می‌شود که در مبادله با اشخاص خارج از واحد تجاری تحصیل یا مخارجی برای تحصیل آنها صرف شده باشد.

۳- ب) سرمایه گذاری‌های بلند مدت

- سرمایه گذاری بلند مدت عمده‌تاً شامل موارد زیر است.
- سرمایه گذاری در سهام شرکت
- اوراق مشارکت
- سپرده‌های سرمایه گذاری بلند مدت بانکی.

از آنجایی که این گونه سرمایه گذاری‌ها با هدف سودآوری و ایجاد حفظ یا گسترش مناسبات تجاری با واحدهای سرمایه پذیر در بلند مدت انجام می‌گیرد. در گروه دارایی‌ها نیز به عنوان دارایی‌های غیر جاری (بلند مدت) در ترازنامه گزارش می‌شود.

۴- ب) سایر دارایی‌ها

هرگونه دارایی غیر جاری که فاقد معیارهای لازم برای طبقه بندی در هر یک از گروه‌های سه گانه سرمایه گذاری‌های بلند مدت، دارایی‌های ثابت مشهود و دارایی‌های نامشهود باشد تحت عنوان سایر دارایی‌ها طبقه بندی می‌شود. نمونه بارز سایر دارایی‌ها شامل اقلام زیر است.

- حصه بلند مدت وام پرداختی به کارکنان
- وجوه مسدود شده بانکی
- دارایی‌های ثابت که دیگر در عملیات واحد تجاری به کار گرفته نمی‌شود و برای فروش و واگذاری نگهداری می‌شود.

بدهی‌ها

بدهی‌ها معرف تعهدات قانونی یا تعهدات ناشی از قراردادهای واحدهای تجاری است که در نتیجه معاملات و رویدادهای گذشته ایجاد شده است و باید از طریق انتقال دارایی‌ها و ارائه خدمات یا از محل عواید آتی تا دیه و پرداخت شود.

بدهی‌ها شامل دو قسمت است:

الف - بدهی‌های جاری

ب - بدهی‌های غیر جاری یا بلندمدت

الف) بدهی‌های جاری: بدهی‌هایی که مؤسسه در مدت کوتاهی که معمولاً یک دوره مالی می‌باشد باید با استفاده از دارایی‌های جاری موجود تسویه یا واریز نمایند.

بدهی‌های جاری اساساً شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- الف) حساب‌ها و اسناد پرداختی تجاری

این گونه بدهی‌ها ناشی از خرید کالا یا دریافت خدمات می‌باشد. حساب‌های پرداختی تجاری عمدتاً از طریق قراردادهای شفاهی و کتبی ایجاد شده و اسناد پرداختی مربوط به تعهداتی است که بابت آن‌ها چک یا اسناد دیگر صادر شده و به فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات تسلیم شده است. صورت ریز اسناد پرداختی بایستی همواره با مانده حساب اسناد پرداختی مطابقت داشته باشد.

۲- الف) سایر حساب‌ها و اسناد پرداختی:

هر گونه دیون و تعهداتی که خارج از عملیات اصلی واحد تجاری باشند به عنوان سایر حساب‌ها و اسناد پرداختی انعکاس می‌یابد از جمله بیمه و مالیات‌های تکلیفی، سپرده‌های حسن انجام کار، ذخیره هزینه‌های تعلق گرفته و پرداخت نشده و حقوق و دستمزد پرداختی.

۳- الف) پیش دریافت‌ها

پیش دریافت از مشتریان معرف تعهدات واحد تجاری مبنی بر ساخت و تحویل کالا یا ارائه خدمات به مشتریان است. و به عبارتی تسویه آنها از طریق فروش کالا یا ارائه خدمات صورت می‌گیرد.

۴- الف) سود سهم پیشنهادی و پرداختی

با توجه به مصوبات مجمع عمومی عادی در ارتباط با حساب‌های سال مالی قبل، مبالغ تخصیص به واحد یا مؤسسه بابت سود سهام که ظرف یک سال آتی قابل پرداخت می‌باشد از سود قابل تخصیص کسر و به این سرفصل منظور خواهد شد به هنگام تسویه از حساب یاد شده برگشت داده می‌شود.

۵- الف) تسهیلات مالی دریافتی

آن بخش از اقساط وام که ظرف مدت یک سال پس از تاریخ ترازنامه بازپرداخت می‌شود بایستی به عنوان تسهیلات مالی دریافتی کوتاه مدت ذیل عنوان بدهی‌های جاری و باقی مانده وام که در سنوات بیش از یک سال قابل بازپرداخت می‌باشند در قسمت بدهی‌های غیر جاری طبقه بندی می‌گردد.

با توجه به اینکه بدهی‌ها در تاریخ ترازنامه بایستی به ارزش‌های قابل تسویه در تاریخ ترازنامه انعکاسی یابند، بهره و کارمزد سنوات آتی که در سرفصل هزینه‌های آینده (واحدهای تعاونی) ثبت شده‌اند بایستی در ترازنامه ذیل تسهیلاتی مالی کسر گردند.

ب: بدهی‌های غیر جاری یا بلند مدت

بدهی‌هایی که زمان تسویه آنها پس از یک سال مالی از تاریخ ترازنامه باشد و به عنوان بدهی غیر جاری (بلند مدت) طبقه بندی می‌شود. نمونه‌ای از بدهی‌های غیر جاری به شرح زیر است:

- حصه بلند مدت اسناد پرداختی
- حصه بلند مدت وام‌های پرداختی
- تعهدات بلند مدت اجاره‌های سرمایه‌ای (اجاره به شرط تملیک)
- حصه بلند مدت پیش دریافت‌ها
- ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان

با توجه به اینکه مزایای پایان خدمت کارکنان در زمان خاتمه خدمت آنها پرداخت می‌شود بعنوان بدهی بلند مدت شناسایی شده است. لیکن در صورتی که تقسیم و روال بر این باشد که این مزایا در پایان هر سال پرداخت گردد بایستی به عنوان بدهی جاری قلمداد گردد.

سرمایه

سرمایه نماینده حقوقی است که سرمایه گذار در واحد تجاری دارد به عبارت دیگر، سرمایه نشان دهنده حقوق صاحبان واحد تجاری نسبت به دارایی‌ها پس از کسر کل بدهی‌های واحد می‌باشد غالباً به جای اصطلاح سرمایه از حقوق صاحبان سهام یا ارزش ویژه نیز استفاده می‌گردد.

درآمدها

درآمد حاصل نتایج عملکرد فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی و خدماتی و حرفه‌ای یک واحد یا مؤسسه تجاری است.

یا به عبارتی درآمد بهای کالای فروش رفته، یا خدمات انجام شده برای مشتریان و نتایج سایر فعالیت‌های عادی یک مؤسسه در یک دوره مالی که به تحصیل وجه نقد یا افزایش سایر دارایی‌ها و یا کاهش بدهی‌ها منجر می‌شود می‌گویند.

هزینه‌ها

هزینه مصارفی است که هر واحد در جریان فعالیت‌های خود به منظور ایجاد درآمد متحمل می‌شود.

یا به عبارتی شرکت‌ها و مؤسسات برای اداره امور و انجام دادن فعالیت‌های مربوط به کسب درآمد مخارجی نظیر خرید مواد و کالا، پرداخت دستمزد، اجاره، آب و برق و غیره انجام می‌دهند که باعث خروج وجه نقد یا کاهش سایر دارایی‌ها و یا افزایش بدهی‌های مؤسسه می‌گردد که به آن مخارج واقع شده که منافع آتی ندارند.

فصل دوم:

مبانی نظری و مفاهیم اساسی حسابداری

فهمیدن اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی مستلزم دانستن مبانی نظری و مفاهیم اساسی حسابداری است. مفاهیم و اصول حسابداری بر خلاف سایر علوم برگرفته از

قواعد، میثاق‌ها و رویه‌های پذیرفته شده‌ای است که توسط متخصصین و مجامع حرفه‌ای بنا شده است.

هدف اصلی از تدوین اصول حسابداری، ایجاد سیستمی یکنواخت برای اعمال روش‌های حسابداری و تهیه گزارش‌های مالی به نحوی است که اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی واحدهای اقتصادی مختلف، هم مقیاس، مفهوم، قابل اتکا و قابل مقایسه باشد.

خلاصه‌ای از مفاهیم اساسی حسابداری و گزارشگری مالی

۱- هدف‌های عمده حسابداری و تهیه صورت‌های مالی

الف) ارائه اطلاعات مفید جهت سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان فعلی و بالقوه.

ب) ارائه تصویر و دورنمای نقدینگی واحد تجاری.

ج) ارائه اطلاعات در مورد منابع اقتصادی واحد تجاری، حقوق نسبت به منابع مزبور

(یعنی تعهدات واحد تجاری در مورد انتقال منابع به سایر اشخاص و صاحبان سهام)

و اثرات رویدادها، فعالیت‌ها و شرایطی که منابع و حقوق مزبور را تغییر می‌دهد.

۲- ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری

خصوصیاتی است که گزارش‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های معقول و منطقی باید

داشته باشد شامل:

الف- مربوط بودن به معنای مؤثر بودن اطلاعات در تصمیم گیری است مانند صورت سود و زیان که شامل تمام درآمدهای تحقق یافته و هزینه‌های انجام شده مربوط به یک دوره مالی است.

ب - به موقع بودن به مفهوم فرآهم آوردن اطلاعات در زمان مناسب برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی است. مانند صورت‌های مالی که در اسرع زمان پس از پایان دوره مالی تهیه شده باشد.

ج - صحیح بودن به مفهوم ارائه واقعیات در قالب کمیت‌های قابل اندازه گیری با دقت کافی است. مثل اصلاح و تعدیل حساب‌های پیش پرداخت‌ها و پیش دریافتها در پایان دوره مالی.

د - قابل مقایسه بودن به مفهوم اندازه گیری اطلاعات مالی با استفاده از اصول و روش‌ها و تکنیک‌های یکنواخت است تا گزارش‌های مالی سنوات مختلف یک موسسه با یکدیگر و یا موسسات مشابه قابل مقایسه باشد. مانند طبقه بندی یکنواخت حسابها در صورت‌های مالی.

۳- مفروضات حسابداری

الف - فرض تفکیک شخصیت

پذیرش موجودیتی متمایز برای یک مؤسسه جدا از مالک یا مالکان آن یا به عبارتی هر واحد تجاری از لحاظ مقاصد حسابداری معمولاً به عنوان یک شخصیت حسابداری مستقل و جدا از صاحبان آن و سایر اشخاص در نظر گرفته می‌شود.

مانند نگهداری مدارک حسابداری جداگانه برای هر مؤسسه جدا از سایر مؤسسات و امور مالی مالک یا مالکان مؤسسه.

ب- فرض واحد اندازه گیری

پذیرش واحد پول رایج به عنوان مقیاس مشترک اندازه گیری معاملات و عملیات مالی مثل اندازه گیری دارایی‌ها، بدهی‌ها، سرمایه، درآمدها و هزینه‌ها بر حسب ریال در ایران.

ج- فرض دوره مالی

تقسیم عمر یک مؤسسه به دوره‌های زمانی کوتاه یا به عبارتی عملیات و رویدادهای مالی بر اساس دوره‌های زمانی کوتاه‌تر از عمر مفید واحد تجاری جداسازی و اصطلاحاً فرض دوره مالی نامیده می‌شود.

د - فرض تداوم فعالیت

فرض بقای یک مؤسسه و استمرار فعالیت‌های آن در آینده قابل پیش بینی است و ادامه دارد مانند حسابداری یک مؤسسه با فرض ادامه فعالیت‌های عادی.

ه- فرض تعهدی

روش پذیرفته شده حسابداری که بر اساس آن درآمدها، هزینه‌ها در دوره‌ای که تحقق می‌یابند اعم از اینکه نقداً دریافت و پرداخت نشده باشند شناسایی و در حساب‌ها ثبت می‌شوند (درآمدها به محض تحقق و هزینه‌ها به محض تحمل و بدون توجه به دریافت و پرداخت وجه نقد مربوط شناسایی می‌شود).

به عنوان مثال: پرداخت مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال بابت حق بیمه یک ساله در مهرماه ۱۳۸۱ کلاً جز هزینه‌های آن سال به حساب نمی‌آید بلکه ۴۵۰/۰۰۰ ریال آن هزینه سال ۱۳۸۱ و باقی مانده با عنوان دارایی در ترازنامه همان سال منعکس و در سال ۱۳۸۲ به هزینه تبدیل می‌شود.

۴- اصول حسابداری

الف) اصل بهای تمام شده

مبتنی بر این است که هر مبادله ارزش متعارف آنچه واگذار می‌شود. فراهم کننده مبانی و شواهد قابل اتکا در مورد ارزش متعارف چیزی است که تحصیل می‌شود. از این رو دارایی‌های تحصیل شده در مبادلات همواره با بهای تمام شده اندازه گیری و ثبت می‌شوند که معرف ارزش متعارف آن‌ها در تاریخ تحصیل است. مانند ثبت اتاته به مبلغی که خریداری شده است.

ب) اصل تحقق درآمدها

درآمد غالباً هنگامی شناسایی می‌شود که اولاً مبادله یا داد و ستدی واقع شده باشد. ثانیاً فرایند کسب سود کامل شده یا به طور عمده تکمیل شده باشد. به عبارتی دسترسی به اطلاعات لازم درباره جریان ورود وجه نقد یا دارایی دیگر واحد تجاری فروشنده به گونه‌ای معقول و قابل اتکا فراهم شده باشد و هزینه‌های مرتبط قابل شناسایی و اندازه گیری باشد.

مثل ثبت درآمد حق الزحمه خدمات انجام شده‌ای که ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال آن دریافت شده و ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال دیگر آن به صورت مطالبات است به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

ج) اصل مقابله هزینه‌ها با درآمد

شناسایی درآمدهای تحقق یافته و هزینه‌های انجام شده مربوط به یک دوره مالی و مقابله آن‌ها با یکدیگر و به بیان دیگر وضع هزینه‌های یک دوره از درآمد همان دوره مانند فروش ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال کالا در یک دوره مالی دو جنبه دارد. جنبه درآمد که معادل مبلغ فروش است و جنبه هزینه که معادل بهای تمام شده کالای فروش رفته معادل ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

د) اصل اهمیت

چشم پوشی از اصلاح پایان دوره در مورد اقلام ناچیزی که به صورت‌های مالی تأثیر چندانی ندارد. مثل خرید یک دستگاه مداد تراش رومیزی به مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال می‌تواند در سال خرید به جای حساب دارایی مستقیماً به حساب هزینه منظور شود.

۵- صورت‌های مالی اساسی و عناصر اصلی صورت‌های مالی

الف) صورت حساب ترازنامه

صورت حساب ترازنامه صورت حسابداری است که وضع مالی یک مؤسسه را از نظر دارایی‌ها، بدهی‌ها و سرمایه در یک تاریخ یا مقطع زمانی نشان می‌دهد.

یا به عبارتی ترازنامه منابع اقتصادی (دارایی‌ها)، تعهدات اقتصادی (بدهی‌ها) و علایق سهام داران یا مالکین (حقوق صاحبان سرمایه) را در یک مقطع زمانی مشخص گزارش می‌دهد.

عناصر اصلی صورت حساب ترازنامه

دارایی‌ها: اموال حقوق یا سایر منابع اقتصادی متعلق به یک شخص یا یک مؤسسه است که قابل تقویم به پول و دارای منافع آتی باشد.

بدهی‌ها: دیون یا تعهداتی است که یک شخص یا یک مؤسسه در مقابل سایرین دارد و از طریق پرداخت وجه نقد، ساخت و تحویل کالا، ارائه خدمات یا طرق دیگر ایفا می‌شود.

حقوق صاحبان سرمایه: حق صاحب و صاحبان مؤسسه نسبت به دارایی‌های یک مؤسسه است که در هر زمان از کسر بدهی‌های یک مؤسسه از کل دارایی‌های آن به دست می‌آید.

(ب) صورت حساب سود و زیان

صورت حسابی که نتیجه فعالیت‌های مالی یک مؤسسه را در طی یک دوره مالی نشان می‌دهد. و عناصر اصلی صورت حساب سود و زیان

درآمدها: بهای کالای فروش رفته و خدمات انجام شده برای مشتریان است که به تحصیل وجه نقد، افزایش سایر دارایی‌ها و یا کاهش بدهی‌های یک مؤسسه منجر می‌شود.

هزینه‌ها: بهای تمام شده کالاها و خدماتی است که به منظور کسب درآمد به فروش رسیده، مصرف یا انجام شده است و به خروج یا مصرف دارایی‌ها و یا افزایش بدهی‌های یک مؤسسه منجر می‌گردد.

سایر درآمدها: افزایش خالص دارایی‌های یک مؤسسه است که از عملیات فرعی، معاملات اتفاقی و یا رویدادهای تصادفی ناشی می‌شود.

سایر هزینه‌ها و زیان‌ها: کاهش خالص دارایی‌های یک مؤسسه است از عملیات فرعی، معاملات اتفاقی و یا رویدادهای تصادفی ناشی می‌شود.

ج) صورت حساب جریان وجوه نقد

صورت حسابی که تعیین ورود وجه نقد به واحد انتفاعی و مصارف آن توسط واحد مزبور اصطلاحاً تجزیه و تحلیل گردش وجه نقد نامیده می‌شود.

در این تجزیه و تحلیل یک تصویر کلی از دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی واحد انتفاعی فراهم می‌گردد. و عناصر جریان‌های نقدی در سه گروه طبقه بندی می‌شود:

۱- فعالیت‌های عملیاتی

۲- فعالیت‌های سرمایه گذاری

۳- فعالیت‌های تأمین مالی

فصل سوم: گردش پول

معمولاً یک واحد تجاری با دو چیز آغاز به کار می‌کند.

یکی فکر اینکه چه می‌خواهد بکند و دیگری مبلغ پول، پول را به مصرف می‌رساند تا فکر جامه عمل بپوشد. اگر توفیق یافت پول مصرف شده را عیناً و یا با بازدهی اضافه به آن مجدداً به دست می‌آورد. در این مسیر پول به اشکال مختلفی مانند مواد اولیه، کالا و مطالبات و دارایی‌های ثابت درمی‌آید.

به طور کلی گردش پول در واحد تجاری دو راه ظاهراً مدور را طی می‌کند.

۱- دوره کوتاه مدت

دوره است که پول مصرف شده در مدت زمان کوتاه دوره گردش خود را طی کرد، باز به صورت نقد در اختیار واحد تجاری قرار می‌گیرد. و پولی را که پس از پرداخت در کوتاه مدت معمولاً کمتر از یک سال مالی بازیافت می‌شود سرمایه در گردش و راهی را که از ابتدا تا انتها طی می‌کند تا دوباره صورت نقدی پیدا نماید دوره کوتاه مدت و یا به اصطلاح اهل فن دوره گردش عملیات می‌گویند.

۲- دوره بلند مدت

دوره است که پول مصرف شده سال‌ها یا بیش از یک دوره مالی طول می‌کشد تا پول مجدداً بازیافت شود.

نابرابری گردش پول

اگر پولی که وارد شرکتی می‌شود درست برابر پولی باشد که پرداخت و از آن خارج می‌گردد کار برنامه ریزی مالی و تجزیه و تحلیل نقدینگی آسان می‌شود.

اما در عمل این توازن کمتر اتفاق می‌افتد. آنچه غالباً مسئله می‌آفریند اینست که دریافت‌های نقدی تکافوی پرداخت‌ها را نمی‌کند و موجب استقراض می‌شود.

در بعضی موارد عواملی خارج از کنترل واحد تجاری سبب نابرابری دریافت‌ها و پرداخت‌ها می‌شود ولی در بسیاری موارد تصمیمات مدیران شرکت و تدابیری که اتخاذ می‌کنند به کاهش نقدینگی می‌انجامد.

مثلاً وقتی خط مشی تولید و یا شرایط فروش نسبه کالا طوری تعیین‌شود که مبالغی پول را برای مدتی از اختیار شرکت خارج کند و بر عکس گاه مدیران نقدینگی را بر به کار انداختن پول ترجیح می‌دهند و از فروش نسبه اجتناب می‌کنند و در نتیجه پول از جریان خارج و در شرکت انباشته می‌شود.

از لحاظ نقدینگی ابتدا وضع واحد تجاری را از نقطه نظر تحصیل سود بررسی و تعیین می‌کنند که در کدام یک از گروه‌های زیر قرار می‌گیرد.

۱- شرکت سودآور

۲- شرکت زیان‌آور

۳- شرکت در حال توسعه

۴- شرکت‌های سودآور

در شرکت‌های سودآور که سابقه کار نسبتاً طولانی دارند و درصدد توسعه فعالیت خود نیستند معمولاً نقدینگی افزایش می‌یابد. موارد افزایش نقدینگی ممکن است از راه افزایش سرمایه و یا فروش اقلامی از دارایی ثابت و استقراض به دست آید و همچنین در مورد استهلاك دیدیم که با گذشت هر سال علاوه بر سود خالص، مبلغی که به هزینه استهلاك منظور می‌شود در شرکت انباشته و باقی می‌ماند که بالغ بر آن موجب افزایش نقدینگی خواهد شد.

۱- شرکت‌های زیان آور

شرکت‌های زیان آور به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف) دسته اول شرکت‌هایی هستند که با وجود تحمل زیان هر سال نقدینگی آنان افزایش می‌یابد. از جمله شرکت‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، کشتیرانی و راه آهن را می‌توان نام برد.

علت اینکه شرکت‌های مذکور در حالی که زیان نشان می‌دهند در پرداخت هزینه‌ها معطل نمی‌مانند و حتی پول زاید بر نیازهای جاری در اختیار دارند اینست که هزینه استهلاك هواپیماها و کشتی‌ها معمولاً زیاد و رقم بزرگی را تشکیل می‌دهد و چون نرخ خدمات آنان که به وسیله دولت و یا در نتیجه رقابت تعیین می‌شود در حدی نیست که تمام استهلاك سالانه را تأمین نماید به تدریج ضرر می‌دهند.

به عبارت دیگر این شرکت‌ها می‌توانند هزینه‌های نقدی خود را از محل درآمد پرداخت کنند اما نمی‌توانند هزینه‌های غیرنقدی را کلاً تأمین نمایند.

در نتیجه بدهی‌های جار آن‌ها به موقع پرداخت می‌شود. مشکل اساسی این گونه شرکت‌ها زمانی شروع می‌شود که دارایی ثابت آن‌ها فرسوده شود و نیاز به تعویض پیدا کند. که در نهایت منجر به استقراض و پرداخت بهره‌های سنگین تسهیلات می‌گردند و زیان این گونه شرکت‌ها از آن پس شروع و افزون می‌گردد.

ب) دسته دوم شرکت‌هایی هستند که معمولاً از لحاظ تحمل زیان کمتر از دسته اول دوام می‌آورند. این نوع شرکت‌ها نمی‌توانند کالای خود را به قیمتی به فروش برسانند که هزینه‌های آن‌ها را جبران کند و بعضاً ممکن است حتی قادر به تأمین هزینه‌های نقدی خود هم نشوند. شرکت‌های مذکور غالباً درصد تهیه پول هستند تا کمبود نقدینگی خود را رفع نمایند. وقتی هم که موضوع تعویض اقلامی از دارایی ثابت پیش آید با مشکل بزرگ روبرو می‌شوند.

صاحبان سهام اینگونه شرکتها به لحاظ زیان آوری شرکت مایل به افزایش سرمایه خود نیستند و وام دهندگان هم به وصول اقساط وام‌های گذشته خود امیدی ندارند. بنابراین گرفتن وام جدید نیز غیرممکن می‌شود و فعالیت معطل می‌ماند.

۲- شرکت‌های در حال توسعه

در این گونه شرکت‌ها گسترش دامنه فعالیت با مصرف پول ملازمه پیدا می‌کند. در این حالت شرکت دو وظیفه دارد.

الف) تأمین مبالغ مورد نیاز برای فعالیت‌های جاری که مستلزم نظارت بر دریافت‌ها و پرداخت‌ها است.

ب) تهیه منابع مورد لزوم برای توسعه که به مطالعه منابع جدید مالی نیاز دارد. برای توسعه فعالیت ابتدا باید به منابع داخلی شرکت شامل کوشش در وصول مطالبات، جلوگیری از پرداخت سود سهام و فروش اوراق زاید دارایی ثابت توجه کرد و اگر منابع داخلی به همراه سود استهلاک برای برنامه توسعه فعالیت شرکت کافی نباشد چاره‌ای جز توصل به منابع خارجی از جمله استقراض و افزایش سرمایه نیست.

در هر حال قبل از هر چیز باید میزان کمبود نقدینگی را تعیین کرد و دریافت و پرداخت نقدی را در آینده پیش بینی نمود.

گردش کامل پول در یک واحد تجاری

الف) منابع یا ورودی

- سرمایه گذاری، خرید و افزایش سهام توسط اعضاء یا صاحبان سهام
- وصول مطالبات
- فروش و ارائه خدمات نقدی
- فروش دارایی‌های ثابت.
- استقراض.

ب) مصارف یا خروجی

- ۱- بازپرداخت تعهدات بستانکاران
- ۲- برداشت سود سهام
- ۳- خرید نقدی بعلاوه هزینه‌های خرید
- ۴- بازپرداخت وام و تسهیلات بانکی
- ۵- خرید دارایی ثابت
- ۶- پرداخت هزینه‌های عملیات (هزینه‌های پرسنلی، عمومی، اداری، توزیع و فروش)
- ۷- پرداخت هزینه‌های مالی.

فصل چهارم: آشنایی با حساب مطالبات

حساب‌های دریافتی، بدهکاران (جاری شرکاء، اشخاص و مؤسسات)، اسناد دریافتی در طبقه دارایی‌های جاری قرار دارند و در واقع کلیه دریافتی‌ها که انتظار می‌رود در فاصله زمانی یک سال از تاریخ ترانزنامه تبدیل به نقد گردند در قسمت دارای جاری طبقه بندی می‌شوند.

عمده‌ترین این مطالبات از فروش نسبه کالا و خدمات ایجاد می‌شوند. در ضمن مطالباتی که متکی بر اسناد تجاری هستند در مواردی که به مراجع قانونی ارجاع

می‌شوند از استحکام بیشتری برخوردار می‌باشند که آن‌ها را به عنوان اسناد دریافتی شناسایی می‌کنند.

چرا عملیات تجاری به صورت نسیه صورت می‌پذیرد؟

اگر کمی با فعالیت‌های تجاری آشنا باشید می‌بینید که روز به روز فعالیت‌های تجاری نسیه بر مبادلات نقدی فزونی می‌یابد. و به طور کلی علل افزایش مبادلات نسیه به صورت خلاصه تشریح می‌گردد:

- کسانی که وجه نقد در اختیار ندارند می‌توانند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را دریافت کنند و از محل عرضه کالا یا خدمات به مشتریان تعهدات خود را بازپرداخت کنند و سود کسب نمایند.

- فروشندگان کالا و عرضه کنندگان خدمات با انجام معامله نسیه می‌توانند میزان فروش کالا و عرضه خدمات خود را افزایش دهند و در نتیجه سود خود را افزایش دهند. در ضمن با فروش کالا به صورت نسیه قیمت بالاتری را نسبت به قیمت نقدی پیشنهاد نمود. از این طریق نیز به سوددهی خود می‌افزایند.

- در شرایط اقتصادی رکود نیز با انجام معاملات نسیه بازار خرید و فروش کالا فعال شده و رونق اقتصادی جامعه میسر می‌گردد.

حساب‌های دریافتنی بر اساس قابلیت وصول آنها به سه دسته تقسیم

می‌شوند:

۱- حساب‌های دریافتنی قابل وصول

مطالباتی هستند که نسبت به وصول آنها هیچ گونه تردید و ابهامی وجود ندارد و در موعد یا سررسید معین وصول خواهند شد.

۲- حساب‌های دریافتنی مشکوک الوصول

این نوع مطالبات احتمال دارد سوخت شوند و به طور یقین سوخت شدن آنها قطعی نشده است.

۳- حساب‌های دریافتنی غیر قابل وصول

مطالبات که غیر قابل وصول به نظر می‌رسند و امیدی به وصول آنها نمی‌باشد که به اصطلاح به آنها مطالبات سوخت شده نیز می‌گویند.

در حسابداری با مطالبات سوخت شده و آنهایی که احتمال سوخت آنها وجود دارد به دو روش برخورد می‌شود:

الف) روش حذف مستقیم مطالبات

ب) روش ایجاد ذخیره مطالبات

روش ایجاد ذخیره مطالبات	روش حذف مستقیم مطالبات سوخت شده
<p>در این روش در پایان دوره مالی که احتمال عدم وصول مطالبات در آینده تشخیص داده می‌شود از این بابت ذخیره‌ای در حساب‌ها منظور می‌نمایند و آن حساب را به حساب هزینه مطالبات مشکوک الوصول انتقال می‌دهند که طرف مقابل آن را ذخیره مطالبات مشکوک الوصول می‌نامند.</p>	<p>در این روش هر زمانی که قطعاً حسابی غیرقابل وصول تشخیص داده شود از حسابها حذف شده و به حساب هزینه انتقال می‌یابد.</p>

نکته:

در روش ایجاد ذخیره مطالبات در پایان دوره مالی باید توجه داشته باشید طبق ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم هزینه ذخیره مطالباتی که وصول آنها مشکوک است. زمانی مورد قبول می‌باشد شرایط ذیل احراز گردد:

۱- مطالبات مربوط به فعالیت مؤسسه باشد.

۲- احتمال غالب برای لاوصول ماندن آن موجود باشد.

۳- در دفاتر مؤسسه به حساب مخصوص منظور شده باشد تا زمانی که وصول

گردد و یا لاوصول بودن آن محقق شود.

بنابراین سرفصل حساب‌ها و ثبت‌های زیر اعمال می‌گردد.

روش حذف مستقیم	روش ذخیره مطالبات
حساب هزینه مطالبات	حساب هزینه مطالبات
سوخت	مشکوک
بدهکار	الوصول
حسابهای	بدهکار
دریافتی	ذخیره مطالبات
بستانکار	مشکوک
	الوصول
	بستانکار

مثال:

مانده حساب‌های دریافتی مؤسسه تجاری مثال:

مانده حساب‌های دریافتی مؤسسه تجاری X در ابتدای سال ۱۳۸۷ مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰

ریال می‌باشد، و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۹ مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال از حساب‌های

دریافتی غیرقابل وصول تشخیص داده شود.

مطلوبست

الف - با استفاده از روش حذف مستقیم ثبت دفاتر نماید.

ب - با استفاده از روش ذخیره مطالبات مشکوک الوصول محاسبه و ثبت دفاتر نماید.

پاسخ الف

هزینه مطالبات سوخت شده ۴/۰۰۰/۰۰۰ بدهکار

حساب‌های دریافتی ۴/۰۰۰/۰۰۰ بستانکار

پاسخ ب

$$\frac{4.000.000}{35.000.000} = 11/4 \text{ بدهکار } ۳۹/۹۰۰/۰۰۰ \text{ الوصول}$$

ذخیره مطالبات مشکوک الوصول ۳۹/۹۰۰/۰۰۰ بستانکار

$$\frac{35.000.000 \times 11/4}{100} = 39.900.000$$

چرا مطالبات مشکوک الوصول برآورد شده و برای آن‌ها ذخیره منظور می‌گردد؟

اول آنکه محاسبه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول برای کاهش ارزش حساب‌های

دریافتی به میزانی است که انتظار وصول آن‌ها می‌رود و در واقع رعایت اصل

واقعیت یا محافظه کاری است.

دوم آنکه تخصیص هزینه‌های ناشی از کاهش حساب‌های دریافتی به حساب‌های

دوره مالی و رعایت اصل تطابق هزینه‌ها و درآمدها می‌باشد.

روش‌های محاسبه و برآورد مطالبات مشکوک الوصول

۱- روش درصدی از حساب‌های دریافتنی

۲- روش درصدی از فروش نسبه مؤسسه

۳- روش تجزیه سنی حساب‌های دریافتنی

۴- روش بررسی موردی

۱- روش درصدی از حساب‌های دریافتنی برای محاسبه مطالبات مشکوک

الوصول

گاهی اوقات مؤسسات با توجه به تجربه سال‌های گذشته خود درصدی از مانده حساب‌های دریافتنی پایان دوره خود را به عنوان مطالبات سوخت شده در نظر می‌گیرند.

به عنوان مثال:

مانده حساب‌های دریافتنی شرکت X در پایان سال ۱۳۸۷ به مبلغ ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. مدیریت با توجه به تجارب گذشته ۱۰٪ حساب‌های دریافتنی را با عنوان مطالبات مشکوک الوصول در نظر می‌گیرد. ذخیره مطالبات را محاسبه و ثبت نماید.

هزینه. م.م ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ بدهکار

ذخیره. م.م ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ بستانکار

بابت ثبت مطالبات مشکوک الوصول برآورد شده درصدی از حساب‌های دریافتنی

۲- روش درصدی از فروش‌های نسیه به عنوان ذخیره مطالبات مشکوک

الوصول

در این روش خالص مانده حساب فروش‌های نسیه دوره تعیین می‌شود و درصدی از آنرا به عنوان ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در نظر می‌گیرند.

درصد فوق بر اساس فروش‌های نسیه سال‌های قبل و حساب‌های دریافتنی سوخت شده قبل برآورده می‌شود.

اما توجه داشته باشید که عملاً تفکیک فروش‌های نسیه و نقد با صرف وقت زیادی امکان پذیر است. بنابراین حسابداران معمولاً درصدی از کل فروش‌های مؤسسه را برای تعیین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در نظر می‌گیرند که اصولاً این درصد کمتر از درصد فروش‌های نسیه می‌باشد. باید دقت داشته باشید که مبنای محاسبه فروش خالص می‌باشد.

مثال

مانده حساب فروش مؤسسه X در پایان سال ۱۳۷۷ به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

مانده حساب برگشت از فروش ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

مانده حساب تخفیف نقدی فروش ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مؤسسه در نظر دارد ۵٪ فروش خالص را به عنوان مطالبات مشکوک الوصول منظور نماید.

در نتیجه برای محاسبه مطالبات مشکوک الوصول به صورت زیر عمل می‌شود:

فروش خالص = (تخفیف نقدی فروش + برگشت از فروش) - کل فروش

$$50/000/000 - (4/000/000 + 3/000/000) = 43/000/000$$

$$43/000/000 \times 5\% = 2/150/000$$

حساب هزینه مطالبات مشکوک الوصول ۲/۱۵۰/۰۰۰ بدهکار

حساب ذخیره.م.م ۲/۱۵۰/۰۰۰ بستانکار

بابت محاسبه و ثبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول

۳- روش تجزیه سنی حساب‌های دریافتنی

تجزیه و تحلیل مطالبات را بر اساس عمر و قدمت آن‌ها تجزیه سنی مطالبات گویند. به طور معمول احتمال وصول حساب‌های دریافتنی که مدت زمان طولانی از سررسید آن‌ها گذشته کم می‌باشد و بر عکس احتمال وصول حساب‌های دریافتنی که مدت زمان کمتری از سررسید آن‌ها گذشته است و هنوز سررسید آن‌ها نرسیده است بیشتر می‌باشد.

اصولاً مبدا تعیین عمر حساب‌ها، تاریخ سررسید آن‌ها می‌باشد. برای انجام تجزیه و تحلیل سنی مطالبات جدولی از مانده حساب‌های دریافتنی و در صد مشخصی برای تعیین مطالبات مشکوک الوصول حساب‌های دریافتنی بر اساس عمر حساب تهیه شده که به آن تجزیه سنی حساب‌های دریافتنی گویند. باید توجه داشته باشید که تعیین درصد اشاره شده بر اساس تجربیات گذشته صورت می‌پذیرد.

به عنوان مثال

جدول تجزیه سنی مانده حسابهای دریافتی شرکت X در تاریخ ۹۲ اسفند ماه سال

۱۳×۷

سررسیدهای گذشته			مبلغ سررسید نشده	مانده حساب	عنوان مشتری
پایان سال ۱۳۸۴	پایان سال ۱۳۸۵	پایان سال ۱۳۸۶			
۵۰۰/۰۰۰	-	۱۵۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	شرکت خدمات حمایتی
-	۲/۰۰۰/۰۰۰	-	۶/۰۰۰/۰۰۰	۸/۰۰۰/۰۰۰	شرکت غله
۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شرکت به پخش
۱/۵۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۶/۵۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	جمع
۱۵%	۱۲%	۱۰%	۵%	-	درصد مورد لزوم
۲۲۵/۰۰۰	۳۶۰/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	-	

طبق محاسبات جدول سنی ذخیره لازم جهت مطالبات مشکوک الوصول به مبلغ

۱/۷۳۵/۰۰۰ ریال خواهد بود که به روش ذیل محاسبه و ثبت خواهد شد.

$$۲۲۵/۰۰۰ + ۳۶۰/۰۰۰ + ۶۵۰/۰۰۰ + ۵۰۰/۰۰۰ = ۱/۷۳۵/۰۰۰$$

حساب هزینه مطالبات . م ۱/۷۳۵/۰۰۰ بدهکار

حساب ذخیره . م.م ۱/۷۳۵/۰۰۰ بستانکار

۴- روش بررسی موردی جهت برآورد مطالبات مشکوک الوصول

در این روش حساب‌های دریافتی یک به یک مورد بررسی قرار می‌گیرند و لیستی از افراد و مشتریانی که نسبت به وصول بدهی‌های آنان مشکوک الوصول هستند تهیه می‌شود.

به عنوان مثال:

مانده حساب‌های دریافتی مؤسسه X در پایان اسفند ماه سال ۱۳۷۷ به مبلغ ۹۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال از موارد زیر تشکیل شده است.

نام مؤسسه	مبلغ / ریال
شرکت غله استان	۴۶/۰۰۰/۰۰۰
شرکت پیمانکاری	۲۸/۰۰۰/۰۰۰
آقای محسنی	۱۴/۰۰۰/۰۰۰
آقای محمدی	۱۰/۰۰۰/۰۰۰
جمع	۹۸۰/۰۰۰/۰۰۰

طبق بررسی‌های صورت پذیرفته احتمال وصول بدهی آقای محمدی غیر ممکن به نظر می‌رسد.

از کل بدهی شرکت غله استان ۸۰٪ احتمالاً قابل وصول خواهد بود.

از کل بدهی شرکت پیمانکاری احتمالاً ۳۵٪ سوخت خواهد شد.

کل بدهی آقای محسنی قابل وصول خواهد بود.

بنابراین برای محاسبه مطالبات مشکوک الوصول و ثبت آن در حسابها به صورت زیر عمل می شود.

- مبلغ کل مانده بدهی آقای محمدی احتمالاً غیر قابل وصول و سوخت شده می باشد.

به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

- مبلغ ۲۰٪ از مانده بدهی شرکت غله استان احتمالاً جزء بدهی سوخت شده خواهد شد.

مبلغ قابل وصول $\times ۸۰\% = ۳۶/۸۰۰/۰۰۰$
۴۶/۰۰۰/۰۰۰

احتمالاً مبلغ سوخت شده $- ۳۶/۸۰۰/۰۰۰ = ۹/۲۰۰/۰۰۰$
۴۶/۰۰۰/۰۰۰

- مبلغ ۳۵٪ از مانده بدهی شرکت پیمانکاری احتمالاً از جمله بدهی سوخت شده می باشد.

$$۲۸/۰۰۰/۰۰۰ \times ۳۵\% = ۹/۸۰۰/۰۰۰$$

- جمع مطالبات مشکوک الوصول که احتمال سوخت آنها وجود دارد.

$$۱۰/۰۰۰/۰۰۰ + ۹/۲۰۰/۰۰۰ + ۹/۸۰۰/۰۰۰ = ۲۹/۰۰۰/۰۰۰$$

ثبت حساب

۲۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال بدهکار

حساب هزینه م.م

حساب ذخیره.م.م ۲۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال بستانکار

نحوه نمایش حساب ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در صورت‌های مالی؟

حساب ذخیره مطالبات مشکوک الوصول یک حساب دائمی است و از یک دوره مالی به دوره مالی بعد منتقل می‌شود و باید بدانید که این حساب کاهنده حساب‌های دریافتی است و باعث نشان دادن حساب‌های دریافتی به ارزش خالص بازیافتی در ترازنامه می‌باشد.

یعنی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را در ترازنامه به صورت یک رقم منفی در زیر حساب‌های دریافتی نشان می‌دهند تا خالص حساب‌های دریافتی به دست آید. در ضمن هزینه‌های مطالبات مشکوک الوصول یک حساب موقت است و در پایان دوره مالی به حساب سود و زیان انتقال می‌یابد. و جزء هزینه‌های دوره مالی در صورت حساب سود و زیان منعکس می‌شود.

فصل پنجم:

حسابداری خرید و فروش در مؤسسات بازرگانی

شالوده و مبنای حسابداری مؤسسات بازرگانی و مؤسسات خدماتی یکسان است. اما مؤسسات بازرگانی برای کنترل و ثبت خرید و فروش کالا به حساب‌ها و تکنیک‌های حسابداری دیگر نیز نیاز دارند.

تفاوت اصلی حسابداری مؤسسات خدماتی یا مؤسسات بازرگانی در این است که درآمد مؤسسات خدماتی از محل حق الزحمه و کارمزد خدماتی تحصیل می‌شود که برای مشتریان انجام می‌دهند.

حال آنکه درآمد اصلی مؤسسات بازرگانی حاصل جمع مبالغی است که از فروش کالاها عاید می‌گردد. و برای تعیین سود مؤسسات، علاوه بر هزینه عملیات باید بهای تمام شده کالای فروش رفته نیز از درآمد فروش کسر شود.

به عبارت دیگر سود مؤسسات بازرگانی از رابطه زیر به دست می‌آید.

(هزینه عملیات + بهای تمام شده کالای فروش رفته) - فروش = سود

پیش از تشریح جزئیات عملیات حسابداری مؤسسات بازرگانی جا دارد که ابتدا توضیح مختصری درباره موقعیت مؤسسات بازرگانی و طبقه بندی مؤسسات انتفاعی بر حسب نوع فعالیت‌هایی که به آن اشتغال دارند عنوان گردد.

۱- مؤسسات خدماتی

مؤسساتی هستند که در ازای خدماتی که به مشتریان عرضه می‌کنند کارمزد یا حق الزحمه دریافت می‌کنند. مانند بانک‌ها، هتل‌ها، بنگاه‌های باربری، تعمیرگاه‌ها و نظایر آنها.

۲- مؤسسات تولیدی یا صنعتی

مؤسساتی هستند که انواع فراورده‌ها و کالاهای بادوام یا مصرفی را معمولاً با به کار گرفتن سرمایه و نیروی انسانی ماهر و با استفاده از ابزارها، ماشین آلات و

تأسیسات می‌سازند یا تولید می‌کنند. و آن‌ها را مستقیماً و یا از طریق شبکه‌های توزیع به فروش می‌رسانند. مانند کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، نیروگاه‌ها و نظایر آن‌ها.

۳- مؤسسات بازرگانی

مؤسسه‌ای هستند که به خرید و فروش انواع مواد خام، محصولات کشاورزی و کالاهای ساخته شده اشتغال دارند. مانند تجارتخانه‌ها، کسبه، فروشگاه‌ها، شرکت‌های تجاری و ... و به طور کلی فعالیت اصلی مؤسسات بازرگانی خرید انواع فرآورده‌ها و کالاها از تولیدکنندگان و عرضه آن به خریداران است. این گونه مؤسسات معمولاً در شکل و محتوای کالاهایی که خریداری و به فروش می‌رسانند تغییری نمی‌دهند، بلکه کالاها را خریداری، حمل و انبار و در محل و موقع مناسب به مشتریان عرضه می‌کنند.

مؤسسات بازرگانی از لحاظ ارتباط با انواع مشتریان و چگونگی عملیات

فروش به دو دسته زیر طبقه بندی می‌شوند

الف) عمده فروشان: افراد یا موسسه‌ای هستند که معمولاً انواع فرآورده‌ها و کالاها را به طور عمده از تولیدکنندگان خریداری می‌کنند و به خرده فروش‌ها و مصرف کنندگان عمده و دیگر مؤسسات می‌فروشند.

ب) خرده فروشان: افراد و مؤسساتی هستند که کالاهای بادوام یا مصرفی و انواع دیگر فرآورده‌ها را از عمده فروشان و یا مستقیماً از مؤسسات تولیدی خریداری و

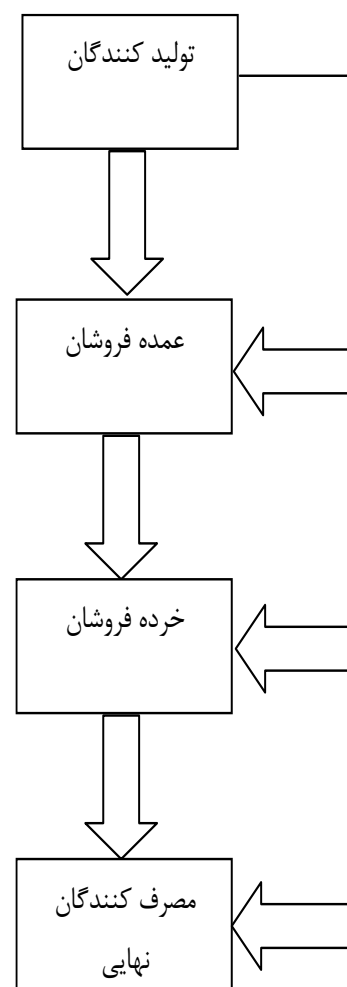
معمولاً به مصرف کنندگان نهایی می‌فروشند. تعاونی‌های مصرف را هم می‌توان در شمار مؤسسات خرده فروشی طبقه بندی کرد.

با توجه به مطالب فوق ملاحظه می‌گردد که رابطه مؤسسات خدماتی به مشتریان معمولاً مستقیم و بدون واسطه است، حال آنکه مؤسسات بازرگانی واسطه انتقال عرضه کالا از تولید کنندگان به مصرف کنندگان هستند.

نمودار زیر ارتباط مؤسسات بازرگانی با تولید کنندگان و مصرف کنندگان نهایی نمایش می‌دهد.

اشخاص یا موسساتی هستند که با بکار گرفتن عوامل تولید، فرآورده‌ها و کالاهای بادوام و مصرفی تولید می‌کنند.

اشخاصی و موسساتی هستند که فرآورده‌ها و کالاها را بطور عمده خریداری، حمل و نقل، انبارداری می‌کنند و به خرده فروشان، مصرف کنندگان عمده و دیگر مؤسسات می‌فروشند.



اشخاص و موسساتی هستند که فرآورده‌ها و کالاها را در فروشگاه‌ها و سایر مراکز فروش عرضه می‌کنند و معمولاً به مصرف کنندگان نهایی می‌فروشند.

اشخاص و موسساتی هستند که انواع فرآورده‌ها و کالاهای بادوام یا مصرفی مورد نیاز خود را خریداری و قصد آنها از خرید، فروش مجدد فرآورده‌ها و کالاهای خریداری شده نیست.

تعریف خرید و فروش

خرید و فروش کالا به دادوستدی گفته می‌شود که در آن عین و مالکیت کالایی از طرف فروشنده به خریدار منتقل و قیمت آن به صورت پول نقد، تعهد پرداخت پول در موعد معین، انتقال مال و یا انجام دادن خدمتی از طرف خریدار و فروشنده تأدیه می‌شود.

عناصر یک معامله خرید و فروش به قرار زیر است

۱- فروشنده یا بایع

شخص یا مؤسسه‌ای است که عین و مالکیت قانونی کالای مورد معامله را به خریدار منتقل می‌کند.

۲- خریدار یا مشتری

شخصی یا مؤسسه است که قیمت کالای مورد معامله را به فروشنده می‌پردازد و آن را تصاحب می‌کند.

۳- کالای مورد معامله یا مبیع

مالی است که مقدار، جنس و وصف آن معین است و فروشنده مالکیت آن را به خریدار منتقل و عین آن را در زمان معامله یا در موعد معین به وی تسلیم می‌کند.

۴- قیمت یا ثمن

مقدار پولی است که خریدار به فروشنده نقداً پرداخت و یا پرداخت آن را در موعد معین تعهد می‌کند و یا معادل قیمت نقدی، مال یا خدمتی است که خریدار به فروشنده تسلیم می‌کند.

شرایط صحت معاملات

الف) مجاز بودن معامله

- خرید و فروش آن قانوناً ممنوع نباشد.
- فروشنده بتواند آن را به خریدار تسلیم کند و خریدار بتواند آن را در اختیار بگیرد.
- مقدار و جنس و وصف آن به طور متعارف قابل تعیین باشد.

ب) صلاحیت خریدار و فروشنده برای انجام معامله

۱- فروشنده باید خود مالک کالای مورد معامله و مجاز به فروش آن باشد.

چنانچه شخص دیگری از طرف فروشنده اقدام به فروش کند باید مالک کالا، چنین اجازه و اختیاری را به وی داده باشد.

۲- خریدار باید مجاز به خرید کالا و تأدیه قیمت آن باشد. چنانچه شخص

دیگری از طرف خریدار اقدام به خرید کند خریدار اصلی باید چنین اجازه و اختیاری را به وی داده باشد.

ج) قصد طرفین

مقصود از معامله باید خرید و فروش کالا باشد و این قصد یا عبارات و الفاظ صریح

در مبنای خرید و فروش بیان شود.

د) رضایت طرفین

معامله باید با رضایت خریدار و فروشنده انجام شود. اگر هر یک از طرفین دیگری را

مجبور به خرید و فروش کند معامله نافذ نیست.

هـ) آگاهی طرفین

خریدار و فروشنده باید مشخصات کالای مورد معامله و بهای آن را به درستی بدانند

و چنانچه کالای مورد معامله اوصاف مقرر را نداشته یا قیمت آن عادلانه نباشد،

خریدار یا فروشنده‌ای که در زمان انجام معامله آگاهی نداشته باشد، اختیار فسخ

خواهد داشت.

روش‌های فروش کالا

روش‌های متنوعی در فروش کالاهای مصرفی و با دوام و انواع فرآورده‌ها به کار می‌رود که از جمله می‌توان فروش نقد، فروش نسبه، فروش اقساطی و فروش امانی را نام برد.

فروش نقد

معامله است که برای تسلیم کالا و پرداخت بهای آن مسوعدی در آینده مقرر نشود و تحویل کالا با پرداخت بهای آن هم زمان باشد.

فروش نسبه

معامله‌ای است که کالا در زمان حال تحویل و برای پرداخت بهای آن موعدی درآیند مقرر شود و فروشنده موافقت کند که قیمت کالا را مدتی پس از تحویل کالا از خریدار دریافت نماید.

فروش امانی

برخی از شرکت‌ها و مؤسسات برای آن که بازارهای فروش بیشتری را بغیر از بازار فروش عادی در اختیار داشته باشند کالاهای خود را به شهرستان‌ها و یا کشورهای دیگر ارسال می‌کنند تا به واسطه افراد و یا مؤسسات و شرکت‌های دیگر که مورد قبول و تایید آن‌ها می‌باشد فروخته شود و این گونه کالاها را کالاهای امانی گویند.

برگرداندن کالا و فسخ معامله

در معاملات متداول تجاری، گاه تمام یا بخشی از کالای فروخته شده در شرایطی معین و بنا به دلایل متعدد مانند: عیب و نقص و آسیب دیدگی و یا اختلاف در مشخصات و یا اشتباه در رنگ و اندازه و مدل، از طرف خریدار و فروشنده برگشت و معامله کالا به نسبت کالای برگردانده شده فسخ می‌شود.

در این صورت فروشنده باید مبالغ دریافتی بابت بهای کالای برگردانده شده را به خریدار بازپس دهد و چنانچه هنوز بهای آن را دریافت نکرده باشد مطالبات مربوط منتفی می‌شود.

در مواردی که عیب و نقص کالا و یا اختلاف نسبت به آن جزئی است، برای جلوگیری از برگرداندن کالا ممکن است خریدار و فروشنده بر تقلیل بهای کالا یا دادن تفاوت قیمت توافق نمایند.

کالای برگشتی از لحاظ خریدار برگشت از خرید از لحاظ فروشنده برگشت از فروش است. کاهشی که در قیمت کالا برای جلوگیری از برگشت به آن داده می‌شود از لحاظ فروشنده تخفیف فروش از لحاظ خریدار تخفیف خرید است.

حسابداری مؤسسات بازرگانی

برای تشریح حسابداری فعالیت‌های خرید و فروش کالا، ابتدا صورت سود و زیان یک مؤسسه خدماتی و یک مؤسسه بازرگانی با هم مقایسه می‌شود.

<p>موسسه بازرگانی</p> <p>صورت حساب سود و زیان</p> <p>برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۸۷</p>	<p>موسسه خدماتی</p> <p>صورت حساب سود زیان</p> <p>برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۸۷</p>
<p>درآمد فروش ۲۶۲/۰۰۰ ریال</p> <p>بهای تمام شده کالای فروش رفته ۱۵/۹۰۰/۰۰۰ ریال</p> <p>سود ناخالص ۱۰/۳۰۰/۰۰۰</p> <p>ریال</p> <p>هزینه عملیات ۷/۴۹۰/۰۰۰ ریال</p> <p>سود خالص ۳۸۱/۰۰۰ ریال</p>	<p>درآمد حق الزحمه خدمات ۱۳۲/۰۰۰</p> <p>ریال</p> <p>هزینه عملیات ۶۵/۱۰۰</p> <p>ریال</p> <p>سود خالص ۶۹/۹۰۰</p> <p>ریال</p>

به طوری که ملاحظه می‌شود، سود مؤسسات خدماتی از تفاضل درآمد حاصل از انجام دادن خدمات برای مشتریان بر هزینه عملیات واقع شده در یک دوره مالی به دست می‌آید. در صورتی که برای تعیین سود خالص مؤسسات بازرگانی علاوه بر هزینه عملیات واقع شده در یک دوره مالی باید بهای تمام شده کالای فروش رفته نیز از درآمد فروش کسر شود.

صورت حساب سود و زیان مؤسسات بازرگانی دارای سه بخش اصلی

است:

- ۱- بخش درآمد فروش
- ۲- بخش بهای تمام شده کالای فروش رفته
- ۳- بخش هزینه عملیات

بخش اول

حسابداری درآمد فروش

حسابداری درآمد فروش مستلزم اندازه گیری دقیق آثار اقتصادی فروش هر قلم کالا طبق اصل تحقق درآمد است.

اصل تحقق درآمد بر صورت سود و زیان (سود خالص - هزینه ها - درآمدها) حاکم است. بر اساس آن، درآمد فروش در صورت احراز شرایط زیر شناسایی و در مدارک و دفاتر حسابداری ثبت می شود.

- ۱- انتقال مالکیت قانونی کالا از فروشنده به خریدار
- ۲- تعیین قیمت قطعی فروش
- ۳- انجام تعهدات فروشنده
- ۴- مبادله کالا با داری دیگر نظیر پول یا تعهد پرداخت پول یا مالی در آینده.

برای ثبت عملیات مربوط به فروش کالا و موسسات بازرگانی معمولاً حساب‌های زیر در دفتر کل نگهداری می‌شود.

الف - حساب فروش.

ب- حساب برگشت از فروش و تحقیقات

ج- حساب تحقیقات نقدی فروش

الف- حساب فروش

هر قلم کالایی که به فروش می‌رسد برای مؤسسه درآمد کسب می‌کند این درآمد در مؤسسات بازرگانی و تولیدی در حسابی به نام فروش یا فروش کالا ثبت می‌شود.

ب- حساب برگشت از فروش و تحقیقات

در معاملات متداول تجاری، گاه ممکن است تمام یا بخشی از کالای فروخته شده توسط خریدار برگشت شود و یا بنا به دلایل متعددی مانند عیب و نقص کالا، فروشنده مبلغی را به عنوان تعدیل قیمت یا تخفیف از قیمت اصل کالاهایی که فروخته شده است کسر نماید.

برگشت کالای فروخته شده و تخفیف اعطایی به علت عیب و نقص کالا ماهیت یکسانی دارد و موجب کاهش درآمد فروش از یک طرف و کاهش موجودی نقد یا مطالبات از طرف دیگر می‌شود.

ج- حساب تخفیفات نقدی فروش

بسیاری از مؤسسات بازرگانی و تولیدی برای تسریع در وصول مطالبات خود به مشتریانی که مبلغ فاکتور فروش را قبل از موعد مقرر در طی مدتی معین از تاریخ فاکتور پرداخت کنند، تخفیفی می‌دهند که آن را تخفیف نقدی می‌گویند.

اعطای این گونه تخفیفات از یک طرف موجب افزایش نقدینگی از طرف دیگر موجب کاهش مطالبات تجاری و تقلیل احتمال زیادی ناشی از سوخت شدن مطالبات می‌شود. چون تخفیفات نقدی در واقع یکی از طرق تقلیل قیمت کالاهای فروش رفته است به آن تخفیف فروشی هم می‌گویند. تخفیفات نقدی که در طول دوره مالی مشتریان از آن استفاده می‌کنند به حساب تخفیفات نقدی فروش بدهکار می‌شود.

حساب تخفیفات نقدی فروش مانند حساب برگشت از فروش و تخفیفات یک حساب کاهنده درآمد فروش است که مانده بدهکار دارد و در پایان دوره مالی برای تعیین رقم فروش خالص باید مانده حساب برگشت از فروش و تخفیفات و حساب تخفیفات نقدی فروش در صورت سود و زیان از مانده حساب فروش کسر شود.

بعنوان مثال صورت حساب سود و زیان مؤسسه بازرگانی X در بخش درآمد فروش به شرح زیر ارائه می‌گردد.

درآمد فروش

فروش ناخالص ۶/۴۶۰/۰۰۰ ریال

کسر می‌شود: برگشت از فروش و تخفیفات ۴۲۰/۰۰۰

تخفیفات نقدی فروش ۴۰/۰۰۰

(۴۶۰/۰۰۰) ریال

فروش خالص ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال

درآمد فروش یا فروش خالص به ترتیب زیر از تفاضل مبلغ فروش ناخالص، برگشت از فروش و تخفیفات و تخفیفات نقدی فروش به دست می‌آید.

(تخفیفات نقدی فروش + برگشت از فروش و تخفیفات) - فروش ناخالص = فروش

خالص

بخش دوم

حسابداری بهای تمام شده کالای فروش رفته

فروش کالا دو جنبه دارد

۱- جنبه درآمد که سرمایه را افزایش می‌دهد.

۲- جنبه هزینه که باعث کاهش سرمایه می‌شود.

برای تعیین سود هر دوره مالی لازم است که هر دو جنبه فروش به حساب گرفته شود.

برای تعیین عملیات مربوط به خرید کالا معمولاً حساب‌های زیر در دفتر کل نگهداری می‌شود:

الف- حساب خرید

ب- حساب برگشت از خرید و تخفیفات

ج - حساب تخفیفات نقدی خرید

د - حساب هزینه حمل کالای خریداری شده

هـ - حساب موجودی کالا.

الف - حساب خرید

بهای تمام شده کالاهایی که طی دوره مالی برای فروش خریداری می‌شود در حسابی به نام خرید یا خرید کالا ثبت می‌گردد. حساب خرید یک حساب موقت است که در نتیجه خرید نقد و نسبه کالا بدهکار می‌شود.

حساب خرید فقط برای ثبت بهای تمام شده کالاهایی که برای فروش خریداری می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد و خرید اقلام دیگر دارایی‌ها نظیر: اثاثه، مطبوعات و ملزومات اداری و سایر دارایی‌ها که برای استفاده در عملیات واحد تجاری خریداری می‌شود در حساب خرید کالا ثبت نمی‌شود. حساب خرید یک حساب موقت است که در پایان دوره مالی بسته می‌شود.

ب- حساب برگشت از خرید و تخفیفات

در مواردی خریدار حق دارد معامله را فسخ و کالا را به فروشنده برگشت دهد و یا به دلایل متعددی مانند عیب و نقص و آسیب دیدگی با اخذ تخفیف یا تفاوت قیمت کالای معیوب را بپذیرد.

- برگشت دادن کالای خریداری شده و تخفیف دریافتی به علت عیب و نقض

ماهیت یکسانی دارد و موجب کاهش خرید از یک طرف و افزایش موجودی

نقد و یا کاهش بدهی از طرف دیگری می‌شود.

حساب برگشت از خرید و تخفیفات یک حساب کاهنده خرید است که معادل بهای

تمام شده کالاهایی که به فروشنده برگردانده می‌شود و یا معادل تخفیف دریافتی

بستانکار می‌شود.

ج- حساب تخفیفات نقدی خرید

در خرید نسبه معمولاً شرایط پرداخت در فاکتور یا قراردادن فروش مشخص

می‌شود. برخی از مؤسسات تولیدی و عمده فروشی برای مشتریانی که فاکتورهای

خرید کالا را طی دوره زمانی مشخصی پرداخت کنند، تخفیفی در نظر می‌گیرند، که

آن را تخفیف نقدی می‌گویند.

تخفیفات نقدی که طی دوره مالی خریدار از آن استفاده می‌کنند به حساب تخفیفات

نقدی خرید بستانکار می‌شود.

حساب تخفیفات نقدی خرید مانند حساب برگشت از خرید و تخفیفات یک حساب کاهنده خرید است که مانده بستانکار دارد. و در پایان دوره مالی برای تعیین رقم خرید خالص باید مانده حساب برگشت از خرید و تخفیفات و حساب تخفیفات نقدی خرید در صورت سود و زیان از مانده حساب خرید کسر شود.

(تخفیفات نقدی خرید + برگشت از خرید و تخفیفات) = خرید = خرید خالص

د- حساب هزینه حمل کالای خریداری شده

در مؤسسات بازرگانی فروخته شده معمولاً در محل فروشگاه یا انبار فروشنده به خریدار تحویل می‌شود و حمل آن بعهده خریدار است. اما این امر قاعده‌ای الزامی نیست و طرفین نه تنها می‌توانند بر خلاف آن توافق کننده بلکه رسوم و عرف تجاری نیز بر آن مقدم است.

در مورد حمل و نقل کالای فروخته شده خریدار و فروشنده ممکن است به یکی از سه طریق زیر توافق نمایند:

۱- هزینه حمل و نقل کالا به عهده خریدار باشد

در این حالت برای تعیین بهای تمام شده کالای خریداری شده مانده حساب هزینه حمل کالای خریداری شده به مانده حساب خرید اضافه می‌شود.

۲- هزینه حمل و نقل کالا به عهده فروشنده باشد.

در این حالت مبالغی که فروشنده برای حمل و نقل کالا پرداخت می‌کند در دفاتر خریدار ثبت ندارد. اما در دفاتر فروشنده به حساب هزینه حمل کالای فروش رفته

بدهکار می‌شود. مانده حساب مزبور جزو هزینه عملیات در صورت سود و زیان مؤسسه فروشنده گزارش می‌شود.

۳- هزینه حمل و نقل کالا را فروشنده به حساب خریدار پرداخت نماید:

در این حالت معمولاً فروشنده هزینه حمل کالا را جداگانه در فاکتور فروش منظور و خریدار مبالغ مندرج در فاکتور را به تفکیک در حساب‌ها ثبت می‌کند. با عنوان مثال:

حساب خرید (معادل قیمت کالا) بدهکار

حساب هزینه حمل کالای خریداری شده بدهکار

حساب نقد یا بستانکاران (معادل جمع مبلغ فاکتور) بستانکار

حساب هزینه حمل کالای خریداری شده مانده بدهکار دارد و در پایان دوره مالی برای تعیین رقم بهای تمام شده کالای خریداری شده در صورت سود و زیان به رقم خرید خالص اضافه می‌شود.

(هزینه حمل کالای خریداری شده + خرید خالص) = بهای تمام شده کالای خریداری شده

ه - حساب موجودی کالا

مؤسسات بازرگانی به طور مداوم کالا خریداری می‌کنند و معمولاً در مدتی کمتر از یک سال به فروش می‌رسانند. بنابراین موجودی کالا در این گونه مؤسسات شامل اقلیمی است که در جریان عادی فعالیت‌های تجاری برای فروش نگهداری می‌شود. در مؤسسات بازرگانی، کالاهای موجود در آغاز هر دوره مالی را موجودی ابتدا دوره

مالی می‌یابد که با خرید طی دوره مالی افزایش می‌یابد. حاصل جمع موجودی کالای ابتدا دوره و کالای خریداری شده در طول دوره مالی را کالای آماده برای فروش می‌گویند.

اگر تمام کالاهای آماده برای فروش در طول دوره مالی به فروش نرسد، کالای موجود در انتهای هر دوره مالی، موجودی کالای پایان دوره مالی نامیده می‌شود.

چون دوره‌های مالی به طور پیاپی تکرار می‌شود، موجودی کالای پایان دوره مالی همواره موجودی کالای ابتدای دوره مالی بعد است. صورت سود و زیان و ترازنامه مؤسسات بازرگانی را نمی‌توان قبل از تعیین بهای تمام شده کالاهای موجود در پایان دوره مالی و بهای تمام شده کالای فروش رفته در طول دوره مالی تهیه کرد.

بهای تمام شده موجودی کالای پایان دوره مالی و بهای تمام شده کالای فروش رفته بر اساس یکی از دو طریق زیر تعیین می‌شود:

۱- سیستم محاسبه دائمی موجودی کالا.

۲- سیستم محاسبه ادواری موجودی کالا.

۱- سیستم محاسبه دائمی موجودی کالا

اغلب مؤسسات بازرگانی و بیشتر مؤسسات تولیدی معمولاً مقدار و مبلغ موجودی کالا را به طور مستمر و مداوم محاسبه می‌کنند. بدین معنی که برای هر یک از اقلام کالا، مدارک ثبت جداگانه‌ای نگهداری می‌کنند که مقدار و مبلغ هر قلم را نشان می‌دهد.

در سیستم محاسبه دائمی موجودی کالا حساب خرید نگهداری نمی‌شود و کلیه خریدها و مستقیماً به حساب موجودی کالا ثبت (بدهکار) می‌شود. فروش کالا در این سیستم مستلزم دو ثبت است:

ثبت اول: حساب بدهکاران یا حساب نقد معادل مبلغ فروش بدهکار و حساب فروش بستانکار می‌شود.

ثبت دوم: بهای تمام شده اقلام فروش رفته از حساب موجودی کالا خارج (بستانکار) و به حساب بهای تمام شده کالای فروش رفته منتقل (بدهکار) می‌شود.

در نتیجه بهای تمام شده کالای فروش رفته به طور مستمر تعیین می‌شود و حساب موجودی کالا، ارزش کالاهای موجودی را در هر زمان نشان می‌دهد، حساب موجودی در این سیستم همان حساب موجودی کالا در تراز آزمایشی می‌باشد و در پایان دوره نیاز به اصلاح ندارد.

۲- سیستم محاسبه ادواری موجودی کالا

در اغلب خرده‌فروشی‌ها که تعداد و تنوع کالا بسیار و قیمت هر واحد از کالاهایی که عرضه می‌شود نسبتاً کم است از محاسبه دائمی موجودی کالا به علت پیچیدگی و پرهزینه بودن خودداری و به جای آن در فواصلی از زمان و در هر حال در پایان دوره مالی، کالاهای موجود شمارش و ارزشیابی می‌شود. در این سیستم که محاسبه و ثبت ادواری موجودی کالا خوانده می‌شود: حساب خرید نگهداری و کلیه خریدها

به بهای تمام شده به این حساب بدهکار و کلیه فروشها بر اساس قیمت فروش به حساب فروش بستانکار می‌گردد.

بدین ترتیب در طول دوره مالی برای بهای تمام شده کالاهای فروش رفته و موجودی کالا، حسابی نگهداری نمی‌شود. در پایان دوره مالی، نخست موجودی کالا از طریق شمارش (انبار گردانی) اقلام مختلف و قیمت گذاری آنها تعیین و سپس بهای تمام شده کالای فروش رفته محاسبه می‌شود.

مراحل کار در این سیستم به قرار زیر است:

الف- شمارش موجودی‌ها

کلیه موجودی در انبار و فروشگاه در آخرین روز دوره مالی شمارش و در برگ موجودی گیری کالا یا شمارش کالا ثبت می‌شود.

ثانیاً اقلام موجود در فروشگاه یا انبار که مؤسسه نسبت به آنها مالکیت قانونی ندارد (مانند کالای امانی دیگران) جز موجودی‌های مؤسسه به حساب نیاید.

ب- تعیین بهای تمام شده موجودی‌ها

پس از آنکه شمارش موجودی‌ها به اتمام رسید ابتدا بهای تمام شده هر یک از اقلام موجودی از حاصل ضرب تعداد در بهای تمام شده هر واحد کالا به دست می‌آید و

سپس از حاصل جمع بهای تمام شده اقلام مختلف، مبلغ موجودی کالای پایان دوره مالی تعیین می‌گردد.

ج- تعیین بهای تمام شده کالای فروش رفته

۱- بهای تمام شده کالای آماده فروش از حاصل جمع موجودی کالای ابتدای

دوره مالی (موجودی کالای پایان دوره مالی قبل) و کالای خریداری شده در

طول دوره مالی (خرید کالا) به دست می‌آید.

(بهای تمام شده کالای خریداری شده + بهای تمام شده، موجودی کالای ابتدای دوره

مالی) = بهای تمام شده کالای آماده برای فروش

۲- بهای تمام شده کالای فروش رفته از تفاضل مبلغ موجودی کالای پایان دوره

مالی بر بهای تمام شده کالای آماده برای فروش تعیین نمی‌شود.

(بهای تمام شده موجودی کالای پایان دوره مالی - بهای تمام شده کالای آماده برای

فروش) = بهای تمام شده کالای فروش رفته

به عنوان مثال: حساب‌های مربوط به بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت

بازرگانی امید که از سیستم محاسبه ادواری موجودی کالا استفاده می‌کند در ۲۹

اسفند ۱۳۷۷ به قرار زیر است:

۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

موجودی کالای ابتدای دوره مالی

۳۰/۲۰۰/۰۰۰ ریال

خرید طی دوره

برگشت از خرید و تخفیفات ۳۷۰/۰۰۰ ریال

تخفیفات نقدی خرید ۱۳۰/۰۰۰ ریال

هزینه حمل کالای خریداری شده ۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

موجودی کالا طبق شمارش پایان دوره مالی معادل ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

مطلوب است محاسبه بهای تمام شده کالای فروش رفته:

پاسخ:

بهای تمام شده کالای فروش رفته

شرح	محاسبات	«ارقام به ریال»
موجودی کالای اول دوره مالی		۶/۰۰۰/۰۰۰
خرید طی دوره	۳۰/۲۰۰/۰۰۰	
کسر می شود:		
برگشت از خرید و تحقیقات	۳۷۰/۰۰۰	
تخفیفات نقدی خرید	۱۳۰۰/۰۰۰	(۵۰۰/۰۰۰)
خرید خالص	۲۹۷/۰۰۰/۰۰۰	
اضافه می شود:		
هزینه حمل کالای خریداری شده	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	
بهای تمام شده کالای خریداری شده		۳۱/۰۰۰/۰۰۰
بهای تمام شده کالای آماده برای فروش		۳۷/۰۰۰/۰۰۰
کسر می شود:		
موجودی کالای پایان دوره مالی		(۷/۰۰۰/۰۰۰)
بهای تمام شده کالای فروش رفته		۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰

بخش سوم: حسابداری هزینه عملیات

سومین بخش اصلی صورت سود و زیان مؤسسه بازرگانی هزینه عملیات است. هزینه عملیات در مؤسسات بازرگانی شامل هزینه‌های توزیع و فروش، بازاریابی، هزینه‌های عمومی، اداری، پرسنلی و استهلاک و افت و ریزش و ضایعات و ... است که در جریان عادی عملیات یک دوره مالی واقع می‌شود.

فرایند حسابداری هزینه عملیات در مؤسسات بازرگانی برای محاسبه سود و زیان عملیاتی به ترتیب زیر تکمیل می‌شود:

الف- فروش خالص یا درآمد فروش

اساساً فروش کالاها و محصولات اصلی واحد تجاری به کسر اقلام برگشتی و تخفیفات به عنوان فروش در صورت‌های مالی منعکس می‌گردد و مقادیر فروش همواره بایستی با مقادیری که به عنوان بهای تمام شده کالای فروش رفته ذیل فروش در سود و زیان انعکاس می‌یابد مطابقت داشته باشد. معمولاً فروش بر اساس نوع محصولات فروش رفته در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی منعکس می‌شود.

ب- بهای تمام شده کالای فروش رفته

حساب‌هایی که مستقیماً به بهای تمام ده کالای فروش رفته مربوط است (موجودی کالا، خرید کالا و هزینه حمل) ذکر و رقم بهای تمام شده کالای فروش رفته تعیین و گزارش می‌شود.

ج - سود ناخالص فروش:

مازاد درآمد فروش بر بهای تمام شده کالای فروش رفته است. (که به صورت سود یا زیان ناویژه گزارش می‌گردد).

د- هزینه‌های عملیات

هزینه‌هایی که علاوه بر بهای تمام شده کالای فروش رفته در جریان عادی عملیات برای تحصیل درآمد انجام شده است معمولاً به تفکیک هزینه‌های فروش و هزینه‌های عمومی و اداری آورده می‌شود.

هزینه‌های فروش = هزینه‌هایی که مستقیماً برای فروش و تحویل کالا به مشتریان انجام شده است تحت این عنوان می‌آید. شامل هزینه‌های انبارداری، بسته بندی، بازاریابی، حمل کالای فروش رفته و ...

هزینه‌های عمومی و اداری = هزینه‌های انجام شده برای اداره امور یک مؤسسه یک ارتباط مستقیمی با تحصیل درآمد ندارد تحت این عنوان نیم‌آید.

ه- سود عملیاتی:

مازاد سود ناخالص فروش بر هزینه عملیات است (که تحت عنوان سود یا زیان عملیاتی گزارش می‌گردد).

در نهایت پس از تأثیر پذیری خالص سایر درآمدهای غیر عملیاتی و پس از کسر هزینه‌های مالی سود ویژه و قابل تقسیم مؤسسه بازرگانی حاصل می‌گردد.

به عنوان مثال:

مانده برخی از حساب‌های شرکت تعاونی توحید در پایان دوره مالی به شرح زیر است:

موجودی کالا اول دوره مالی	۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال
خرید طی دوره مالی	۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال
فروش طی دوره مالی	۲/۶۶۰/۰۰۰ ریال
هزینه حمل کالای خریداری شده	۳۰۰/۰۰۰ ریال
برگشت از خرید	۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
برگشت از فروش	۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال
موجودی کالا در پایان دوره مالی	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مطلوب است:

تنظیم صورت حساب عملکرد سود ناویژه:

پاسخ:

صورت حساب عملکرد و سود ناویژه «ارقام به ریال»

محاسبات			شرح
۲۶/۶۰۰/۰۰۰			فروش کالا
(۲۱/۰۰۰/۰۰۰)			کسر می‌شود: برگشت از فروش
۲۴/۵۰۰/۰۰۰			فروش خالص؛
			بهای تمام شده کالای فروش رفته

	۹/۰۰۰/۰۰۰		موجودی کالای اول دوره مالی
		۱۸/۰۰۰/۰۰۰	خرید کالا طی دره مالی
		(۳/۰۰۰/۰۰۰)	کسر می شود برگشت از خرید
		۱۵/۰۰۰/۰۰۰	خرید خالص
		۳۰۰/۰۰۰	اضافه می شود: هزینه حمل کالای خریداری شده
	۱۵/۳۰۰/۰۰۰		بهای تمام شده خرید خالص
	۲۴/۳۰۰/۰۰۰		بهای تمام شده کالای آماده برای فروش
	(۳/۰۰۰/۰۰۰)		کسر می شود: موجودی کالای در پایان دوره مالی
(۲۱/۳۰۰/۰۰۰)			بهای تمام شده کالای فروش رفته
۳/۲۰۰/۰۰۰			سود ناویژه

فصل ششم: آشنایی با روش‌های ارزیابی موجودی کالا

در مؤسسات بازرگانی حساب موجودی کالا عموماً به روش ادواری نگهداری می‌شود و طی دوره مالی عملیات مربوط به موجودی کالا در حساب‌هایی تحت عنوان خرید و فروش و حساب‌های وابسته ثبت می‌گردد و به نوعی در پایان سال مبلغ موجودی کالای پایان دوره محاسبه و در حساب مربوط ثبت خواهد شد و روش‌های خاصی برای تعیین موجودی کالای پایان دوره مؤسسات وجود دارد که هر روش تأثیر خاصی روی سود مؤسسات می‌تواند داشته باشد.

که معمولاً حسابداران برای این که سود شرکت خود را بالاتر یا پایین‌تر از حد واقعی نشان دهند از این روش‌ها استفاده می‌کنند. از این رو برای ارزیابی موجودی کالا در پایان دوره روش‌هایی وجود دارد که ذیلاً به چند روش متداول اشاره می‌شود.

اولین گام در جهت ارزش موجودی آخر دوره شمارش فیزیکی آن است که معمولاً در پایان سال صورت می‌پذیرد که به شمارش موجودی انبارها، انبارگردانی گویند و وقتی انبارگردانی صورت پذیرفت و موجودی‌ها مورد شمارش قرار گرفت تعداد موجودی کالا در آخر دوره تعیین می‌شود.

حال که تعداد موجودی آخر دوره مشخص شد یکی از روش‌های زیر برای ارزیابی موجودی کالا انتخاب می‌شود:

- Fifo (فایفو) یا اولین صادره از اولین وارده

- Lifo (لایفو) یا اولین صادره از آخرین وارده

- روش میانگین

- روش قیمت روز

۱- روش اولین صادره از اولین وارده (Fifo)

در مؤسساتی که روش fifo را انتخاب می‌کنند فرض بر این است که کالایی که اول خریداری شده همان اول هم به فروش می‌رسد و اگر کالایی در انبار باقی مانده از خریدهای آخر دوره می‌باشد. در نتیجه موجودی پایان دوره از اقلامی تشکیل می‌شود که دیرتر از همه خریداری گردیده است.

این روش معمولاً با سیستم گزارش کالای مؤسساتی که به خرید و فروش مواد غذایی و مواد فاسد شدنی اشتغال دارند هماهنگ است. چرا که طول زمان باعث از بین رفتن مواد و موجودی می‌شود و در این مؤسسات همیشه سعی می‌کنند ابتدا کالایی که زودتر خریداری کرده‌اند زودتر به فروش برسانند.

مثال

موجودی کالای اول دوره فروشگاه مصرف

۲۰ واحد هر واحد ۵۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۱۰۰/۰۰۰

خرید مرحله اول ۱۰ واحد هر واحد ۵۵۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۵۵/۰۰۰

خرید مرحله دوم ۱۵ واحد ۶/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۹۰/۰۰۰

خرید مرحله سوم ۱۰ واحد ۵/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۵۰۰/۰۰۰

جمع ۵۵ واحد

۲۹۵/۰۰۰

اگر موجودی کالای آخر دوره ۱۶ واحد باشد قیمت تمام شده موجودی آخر دوره با استفاده از روش ارزیابی fifo یا اولین صادره از اولین وارده چند ریال است.

پاسخ:

در این روش هر چه کالا در ابتدای دوره موجود بود ابتدا خارج شد. بنابراین ۱۶ تا از موجودی‌های کالای پایان دوره به طور منطقی باید از خریدهای مرحله سوم و قسمتی از مرحله دوم باشد.

یعنی کالای موجودی ابتدای دوره به علاوه کل خرید مرحله اول و ۹ واحد از کالای خریداری مرحله دوم فروش رفته است.

بنابراین موجودی کالا به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

$$۱۰ \times ۵۰۰۰ = ۵۰/۰۰۰ \text{ واحد خرید مرحله سوم}$$

$$۶ \times ۶۰۰۰ = ۳۶۰۰۰ \text{ واحد خرید مرحله دوم}$$

جمع: ۸۶۰۰۰ ۱۶ واحد کالا

۲- روش اولین صادره از آخرین وارده (lifo)

در این روش فرض بر اینست که فروش کالا از آخن شروع می‌شود در نتیجه موجودی کالا در پایان دوره کالایی است که زودتر از همه خریداری شده است.

مثال:

موجودی کالای اول دوره ۲۶ واحد هر واحد ۳۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۷۸/۰۰۰

خرید مرحله اول ۲۰ واحد هر واحد ۴۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۸۰/۰۰۰

خرید مرحله دوم ۳۰ واحد هر واحد ۳۵۰۰ ریال جمعاً به ارزش

۱۰/۵۰۰۰

۷۶

۲۶۳/۰۰۰

حال اگر فروش کالا در طی دوره ۴۶ واحد باشد تعداد موجودی کالای پایان دوره به

روش lifo چه تعداد و چه مبلغ است؟

پاسخ:

چون روش ارزیابی lifo است یعنی اولین صادره از آخرین وارده است بنابراین

موجودی کالای پایان دوره به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

۳۰ واحد خرید مرحله دوم در ابتدا به فروش رفته

۱۶ واحد خرید مرحله اول هم به فروش رفته

در نهایت ۴ واحد از کالای خرید مرحله اول بعلاوه ۲۶ واحد کالای موجودی ابتدای دوره از جمله کالای پایان دوره مالی را تشکیل می‌دهد.

$$۱۶/۰۰۰ = ۴ \times ۴۰۰۰ \text{ واحد خرید مرحله اول}$$

$$۷۸۰۰۰ = ۲۶ \times ۳۰۰۰ \text{ واحد موجودی ابتدای دوره}$$

۳۰

۹۴۰۰۰

۳- ارزیابی موجودی کالا با استفاده از روش میانگین

در این روش ارزیابی موجودی کالا بر این فرض استوار است که دقیقاً مشخص نیست که در زمان فروش از کدام کالا به فروش می‌رود یعنی خریدهای اول یا خریدهای آخر بلکه ترکیبی از هر دو خرید به صورت نامشخص به فروش می‌رود. معمولاً مؤسساتی که گردش بالایی از فروش کالا را دارند و کالاهای با یکدیگر مخلوط می‌شوند از روش میانگین ارزیابی موجودی کالا استفاده می‌کنند.

در روش ارزیابی موجودی به صورت میانگین بدین صورت عمل می‌شود که ما جمع کل قیمت تمام شده موجودی اول دوره و خریدها را بر تعداد کل واحدها تقسیم می‌کنیم تا قیمت تمام شده میانگین یک واحد محاسبه شود.

به مثال زیر توجه کنید:

در فروشگاه‌های چهار مرحله خرید به قیمت‌های زیر انجام گرفته است و اگر موجودی کالای پایان دوره ۲۰ واحد باشد. مبلغ موجودی کالای پایان دوره به روش میانگین چند ریال است؟

موجودی اول دوره	۱۰ واحد بهاء هر واحد	۵۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش	۵۰۰/۰۰۰
خرید مرحله اول	۳۰ واحد بهاء هر واحد	۴۵/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش	۱۳۵/۰۰۰
خرید مرحله دوم	۲۰ واحد بهاء هر واحد	۴۸/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش	۹۶۰/۰۰۰
خرید مرحله سوم	۱۵ واحد بهاء هر واحد	۵۰/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش	۷۵۰/۰۰۰
خرید مرحله چهارم	۵ واحد بهاء هر واحد	۵۲/۰۰۰ ریال جمعاً به ارزش	۲۶۰/۰۰۰
جمع	۸۰		۲/۸۲۰/۰۰۰

پاسخ:

میانگین قیمت عبارتست از خارج قسمت مجموع موجودی ابتدای دوره بعلاوه خرید تقسیم بر تعداد کل:

$$38/200/000 \div 80 = 47750$$

در نتیجه قیمت میانگین هر واحد کالا ۴۷/۷۵۰ ریال خواهد بود.

حالا با توجه به مرحله پایان دوره به تعداد ۲۰ واحد به قیمت تمام شده موجودی کالا در پایان دوره مالی عبارتست از:

$$47/750 \times 20 = 950/000$$

۴- ارزیابی موجودی کالا به روش قیمت روز

در این روش ارزش بهای کالا در پایان دوره با توجه به قیمت روز بازار تعیین و ارزشیابی می‌گردد و تفاوت ارزش افزایش یا کاهش در حساب عملکرد دوره تأثیرگذار خواهد بود.

به عنوان مثال:

کالای موجودی در اول سال و خرید طی دوره در شرکت الف با شرح زیر می‌باشد:

تاریخ خرید	تعداد	بهاء واحد	جمع کل بهاء
موجودی اول دوره	۲۰	۲۰۰۰	۴۰/۰۰۰
خرید مرحله اول	۴۰	۲۲۰۰	۸۸/۰۰۰
خرید مرحله دوم	۵۰	۲۱۰۰	۱۰۵/۰۰۰
خرید مرحله سوم	۳۰	۲۵۰۰	۷۵/۰۰۰
خرید مرحله چهارم	۶۰	۲۱۰۰	۱۲۶/۰۰۰
جمع	۲۰۰۰		۴۳۴/۰۰۰

موجودی کالا در پایان دوره مالی ۷۰ واحد می‌باشد. چنانچه بهاء کالای در بازار هر واحد مبلغ ۲۳۰۰ ریال باشد.

مطلوبست تعیین ارزش موجودی کالا در پایان دوره به روش‌های زیر:

الف- روش اولین صادره از اولین وارده (fifo)

ب- روش اولین صادره از آخرین وارده (lifo)

ج- روش میانگین

د- روش قیمت روز (بازار)

پاسخ:

الف- محاسبه موجودی‌ها پایان دوره از روش fifo:

$$۱۲۶/۰۰۰ = ۶۰ \times ۲۱۰۰ \text{ واحد خرید مرحله چهارم}$$

$$۲۵۰۰۰ = ۱۰ \times ۲۵۰۰ \text{ واحد خرید مرحله سوم}$$

$$۱۵۱/۰۰۰ \quad ۷۰ \text{ واحد}$$

ب- محاسبه موجودی پایان دوره از روش lifo:

$$۴۰/۰۰۰ = ۲۰ \times ۲۰۰۰ \text{ واحد موجودی اول دوره}$$

$$۸۸/۰۰۰ = ۴۰ \times ۲۲۰۰ \text{ واحد خرید مرحله اول}$$

$$۲۱/۰۰۰ = ۱۰ \times ۲۱۰۰ \text{ واحد خرید مرحله دوم}$$

$$۱۴۹۰۰۰ \quad ۷۰ \text{ واحد}$$

ج- محاسبه موجودی پایان دوره از روش میانگین:

میانگین قیمت هر واحد $434/000 \div 200 = 2170$

بهای تمام شده موجودی کالای پایان دوره $2170 \times 70 = 151900$

د- محاسبه موجودی پایان دوره از روش قیمت روز (بازار)

بهای تمام شده موجودی کالای پایان دوره $2300 \times 70 = 161000$

فصل هفتم: کالای امانی و حق العمل کاری

تعریف کالای امانی

برخی از شرکتها و مؤسسات برای آن که بازارهای فروش بیشتری را به غیر از بازار فروش عادی در اختیار داشته باشند کالاهای خود را به شهرستانها و یا کشورهای دیگر ارسال می کنند. تا به واسطه افراد و یا مؤسسات و شرکت های دیگر که مورد قبول و تأیید آنها می باشند فروخته شود این گونه کالاها را کالاهای امانی گویند.

در این شکل تجارت شخص یا شرکتی که کالای امانی را برای فروش به طور امانی برای طرف خود می فرستند را فرستنده کالای امانی یا آمر می گویند.

حق العمل کار کیست؟

فرد یا شرکتی که کالای امانی را برای فروش دریافت می کند حق العمل کار یا گیرنده کالای امانی گویند. حق العمل کار معمولاً برای کار خود مبلغی به عنوان کمیسیون یا حق العمل از آمر دریافت می کند.

با توجه به اینکه حق العمل کاری طبق قوانین تجارت ایران به عنوان یک عمل تجاری شناخته شده است بنابراین در قانون تجارت حق العمل کار این گونه تعریف شده است. حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری معاملاتی انجام می‌دهد و حق العمل دریافت می‌کند.

مالک کالای امانی کیست؟

هر چند کالای امانی برای فروش تحویل حق العمل کار می‌گردد ولی باید توجه داشته باشید که مالک کالای امانی آمر است. یعنی تا زمانی که کالا توسط حق العمل کار به فروش نرفته باشد مالکیت کالا مربوط به آمر است.

بنابراین آمر در پایان دوره مالی در صورتهای مالی و ترازنامه کالاهای امانی را در حساب موجودی کالای نزد حق العمل کار منظور می‌کند.

از طرف دیگر حق العمل کار کالای امانی دیگران نزد خود را به عنوان موجودی کالای خود شناسایی نمی‌کند بلکه در زمان شمارش موجودی‌ها آنها را از موجودی‌های خود مجزا می‌نماید و در حساب انتظامی منظور و شناسایی می‌کند.

مزایای فروش کالای امانی برای آمر و حق العمل کار

مزایای فروش برای آمر

۱- دستیابی به بازارهای بیشتر و فروش زیادتر و کسب سود

۲- معرفی و ایجاد شرایط بازار و شناسایی محصولات جدید شناخته نشده با توجه به اینکه بعضی از تجار حاضر به خرید این کالاها به صورت عادی نمی‌باشند.

باید توجه داشت که حق العمل کار بابت کار خود کارمزد یا حق العمل فروش و یا کمیسیون فروش دریافت می‌کند. که معمولاً این مبلغ درصدی از بهای فروش می‌باشد. و گاهی اوقات نیز با توجه به اینکه باید کالای امانی را حق العمل کار به صورت نقد بفروشد اگر کالای امانی را نسیه به فروش رساند و مطالبات سوخت گردد زیان سوخت مطالبات بعهدہ حق العمل کار است.

حق العمل کار از این بابت حق التضمین از آمر دریافت می‌کند. یعنی علاوه بر کارمزد فروش بعضی آمرها درصدی از بهای فروش را به عنوان حق التضمین به حق العمل کار می‌پردازند.

وظایف حق العمل کار چیست

۱- حفظ و نگهداری کالای امانی و انجام دستورات از طرف آمر در ارتباط با کالای امانی.

۲- دقت در فروش‌های نسیه و سعی و تلاش در وصول مطالبات

۳- تسویه حساب فروش کالا بر اساس قراردادی که با آمر دارد و ارسال صورت حساب فروش برای آمر.

حسابداری کالای امانی

در حسابداری کالای امانی ثبت رویدادهای مالی در دفتر آمر با دو حساب به نام حساب کالای امانی و حساب کالای ارسالی مواجه می‌شوید.

۱- ارسال کالا برای حق العمل کار:

هرگاه کالا از طرف امر برای حق العمل کار ارسال شد باید به قیمت تمام شده در حساب‌ها نشان داده شود و به شرح زیر ثبت می‌گردد:

حساب کالای امانی	بدهکار
حساب کالای ارسالی به حق العمل کار	بستانکار

بابت ارسال کالا به حق العمل کار.

۲- پرداخت هزینه‌هایی چون بیمه و حمل برای کالای امانی توسط امر

حساب کالای امانی	بدهکار
حساب نقد و بانک	بستانکار

بابت پرداخت هزینه توسط آمر،

۳- چنانچه پرداخت هزینه توسط حق العمل کار صورت گیرد

حساب کالای امانی	بدهکار
حساب حق العمل کار	بستانکار

بابت پرداخت هزینه توسط حق العمل کار

۴- فروش کالا توسط حق العمل کار

حساب حق العمل کار بدهکار

حساب کالای امانی بستانکار

بابت فروش کالای امانی.

۵- منظور نمودن کارمزد و یا حق العمل و یا حق التضمین حق العمل کار

حساب کالای امانی بدهکار

حساب شخص حق العمل کار بستانکار

بابت ثبت حق العمل، حق العمل کار.

۶- دریافت وجه یا اسناد دریافتی از حق العمل کار

نقد و بانک یا اسناد دریافتی بدهکار

حساب حق العمل کار بستانکار

بابت دریافت وجه یا اسناد از حق العمل کار

۷- شناخت هزینه کالای مفقود شده یا از بین رفته

اگر کالای امانی مفقود یا از بین رفت قیمت تمام شده آن یعنی قیمت تمام شده به

اضافه هزینه حمل و سایر هزینه‌هایی که باید به قیمت کالا اضافه شود به بستانکار

حساب کالای امانی منظور می‌گردد.

کالای مفقودی بدهکار

کالای امانی بستانکار

بابت ثبت کالای امانی مفقودی

۸- انجام عملیات در پایان دوره مالی

با توجه به اینکه حساب کالای امانی یک حساب موقت است.

در نهایت مانده حساب کالای امانی نیز به سود و زیان انتقال می‌یابد البته ابتدا باید توجه داشت اگر بخشی از کالای امانی در پایان دوره موجود باشد باید به عنوان موجودی کالا در بدهکار حساب موجودی کالای امانی نزد دیگران و در بستانکار کالای امانی نشان داده شود مانند ثبت زیر:

حساب موجودی کالای امانی نزد دیگران	بدهکار
حساب کالای امانی	بستانکار

باید ثبت موجودی کالای امانی نزد حق العمل کار.

۹- محاسبه سود و زیان کالای امانی

پس از ثبت عملیات بند ۸ حساب کالای امانی مانده گیری می‌شود. اگر مانده بستانکار داشته باشد سود کالای امانی می‌باشد بنابراین به حساب خلاصه سود و زیان (عملکرد) انتقال می‌یابد و اگر مانده بدهکار داشته باشد زیان کالای امانی می‌باشد.

بنابراین ثبت‌های زیر صورت می‌گیرد:

در حالت سود

حساب کالای امانی	بدهکار
خلاصه سود و زیان (عملکرد)	بستانکار

در حالت زیان:

خلاصه حساب سود و زیان (عملکرد) بدهکار

حساب کالای امانی بستانکار

۱۰- حساب کالای ارسالی یک حساب موقت است و در پایان دوره مالی به

حساب خلاصه سود و زیان (عملکرد) بسته می‌شود:

حساب کالای ارسالی بدهکار

حساب خلاصه سود و زیان (عملکرد) بستانکار

بابت بستن حساب کالای ارسالی به حق العمل کاری.

مثال:

شرکت (الف) ۲۰ دستگاه کالای تولیدی خود را که قیمت تمام شده آن هر واحد

۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده به قرار فروش هر واحد ۱۴۰۰/۰۰۰ ریال جهت حق العمل کار

خود شرکت (ب) ارسال کرد.

برای حمل و بیمه آنها ۲۰۰/۰۰۰ ریال پرداخت نمود. حق العمل کار ۱۵ دستگاه را از

قرار هر واحد ۱۶۰/۰۰۰ ریال به فروش رساند. که پس از کسر ۳۸۰۰۰ ریال هزینه

تخلیه و ۱۶۲۰۰۰ ریال کارمزد خود مابقی وجه حاصل از فروش را جهت امر ارسال

نمود. و در ضمن حق العمل کار اطلاع داد که یک دستگاه از کالای ارسالی در بین راه

مفقود شده است. که طبق قرارداد مبلغ ۱۳۸۰۰۰ ریال از این بابت از شرکت بیمه

دریافت شده است.

مطلوب است ثبت عملیات در دفاتر امر

ثبت‌های دفتر روزنامه

سند (۱)

کالای امانی ۲/۰۰۰/۰۰۰ (بد)

کالای ارسالی به حق العمل کار ۲/۰۰۰/۰۰۰ (بس)

بابت ارسال کالا به حق العمل کار محاسبه: $۲/۰۰۰/۰۰۰ = ۱۰۰/۰۰۰ \times ۲۰$

سند (۲) کالای امانی ۲۰۰/۰۰۰ (بد)

نقد و بانک ۲۰۰/۰۰۰ (بس)

پرداخت هزینه حمل و بیمه توسط آمر

سند (۳)

حق العمل کار ۲/۴۰۰/۰۰۰ (بد)

کالای امانی ۲/۴۰۰/۰۰۰ (بس)

بابت فروش ۱۵ دستگاه توسط حق العمل کار

محاسبه $۲/۴۰۰/۰۰۰ = ۱۶۰/۰۰۰ \times ۱۵$

سند (۴)

کالای امانی ۲۸/۰۰۰ (بد)

کالای امانی ۱۶۲/۰۰۰ (بد)

حق العمل کار ۲۰۰/۰۰۰ (بس)

بابت هزینه تخلیه پرداختی توسط

حق العمل کار و کارمزد حق العمل کار

سند (۵)

حساب کالای مفقود شده ۱۱۰/۰۰۰ (بد)

حساب کالای امانی ۱۱۰/۰۰۰ (بس)

بابت دریافت خسارت از بیمه در ارتباط

با کالای مفقود شده

ثبتهای دفتر روزنامه

سند (۶)

حساب نقد و بانک ۱۳۸/۰۰۰ (بد)

حساب کالای مفقود شده ۱۱۰/۰۰۰ (بس)

سود و زیان ۲۸/۰۰۰ (بس)

بابت دریافت خسارات از بیمه در ارتباط با کالای مفقود شده

سند (۷)

حساب نقد و بانک ۲/۲۰۰/۰۰۰ (بد)

حق العمل کار ۲/۲۰۰/۰۰۰ (بس)

دریافت وجه از حق العمل کار بابت بهاء

فروش ۱۵ دستگاه پس از کسر هزینه

تخلیه و کارمزد

$$\text{محاسبه: } ۲/۴۰۰/۰۰۰ - (۱۶۲/۰۰۰ + ۳۸/۰۰۰) = ۲/۲۰۰/۰۰۰$$

سند (۸)

موجودی کالای امانی نزد دیگران ۴۴۸/۰۰۰ (بد)

حساب کالای امانی ۴۴۸/۰۰۰ (بس)

بابت ثبت موجودی کالای امانی پایان دوره مالی نزد و حق العمل کار

$$\text{محاسبه: } ۱۰۰/۰۰۰ \times ۴ = ۴۰/۰۰۰$$

بهای تمام شده ۴ واحد کالای موجودی پایان دوره مالی ۴۰۰/۰۰۰

$$\text{هزینه حمل و بیمه ۴ واحد } ۴۰۰/۰۰۰ = \frac{4}{20}$$

$$\text{هزینه تخلیه ۴ واحد } ۸/۰۰۰ = \frac{4}{19}$$

$$۴۰۰/۰۰۰ + ۴۰/۰۰۰ + ۸/۰۰۰ = ۴۴۸/۰۰۰$$

بهای تمام شده ۴ واحد موجودی کالای پایان دوره مالی

سند (۹)

حساب کالای امانی ۵۵۸/۰۰۰ (بد)

خلاصه سود و زیان (عملکرد) ۵۵۸/۰۰۰ (بس)

بابت بستن حساب کالای امانی در پایان دوره مالی معادل مانده بستانکار حساب یاد

شده

سند (۱۰)

حساب کالای ارسالی ۲/۰۰۰/۰۰۰ (بد)

خلاصه حساب سود و زیان (عملکرد) ۲/۰۰۰/۰۰۰ (بس)

بابت بستن کالای ارسالی به حق العمل کار

نسبت‌های دفتر کل

حساب کالای امانی

حساب کالای ارسالی

1) 2/000/000	(1)
3) 2/400/000	(2)
5) 110/000	(4)
7) 448/000	(6)
	(8)

1) 2/000/000	(10)

حق العمل کار

حساب کالای مقصودی

4) 200/000	(3)
7) 2/200/000	

6) 110/000	(5)

حساب نقد و بانک

موجودی کالای امانی نزد دیگران

2) 200/000	(6)
	(7)

	(8)

حساب سود و زیان

خلاصه حساب سود و زیان (عملکرد)

6) 28/000	
-----------	--

9) 558/000	
10) 2/000/000	

فصل هشتم: حسابداری دواير و شعب

دواير به چه معناست؟

بخش‌ها و قسمت‌های مختلفی از فروشگاه‌ها و مؤسسات که به محل عرضه مواد و کالاهای متفاوتی تقسیم شده‌اند و زیر نظر مدیریت مستقل اقدام به فروش و عرضه کالاهای خود می‌نمایند را دایره فروش می‌نامند که مجموعه آن‌ها را دواير گویند. مانند فروشگاه‌های رفاه و شهروند و تعاونی‌های مختلف که به عرضه مواد غذایی، پوشاک، لوازم التحریر و لوازم خانگی و ... تقسیم شده‌اند.

که چنین فروشگاه‌هایی چندین کالا را در یک مکان در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌دهند و باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه رفت و آمد مشتریان می‌گردد و در ضمن نظارت بر دوايري که در یک مکان متمرکز هستند ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر از فروشگاه‌های پراکنده در سطح شهر یا منطقه می‌باشد.

شعب به چه معناست؟

بسیاری از مؤسسات و فروشگاه‌های بزرگ برای به دست آوردن بازار بیشتر و افزایش میزان فروش در قسمت‌های مختلف شهر و یا کشور اقدام به تأسیس مؤسساتی می‌نمایند که به آن‌ها شعبه می‌گویند.

در واقع شعبه یا شعبات مؤسساتی همانند مؤسسه یا فروشگاه‌های اصلی در مناطق مختلف یک شهر یا کشور فعالیت می‌نمایند.

حساب خرید (بستانکاران) حساب نقد و بانک حساب‌های پرداختی

<u>5/000/000</u>		<u>10/000/000</u>
<u>5/000/000</u>		

۲- ثبت در حساب دفاتر معین

خرید دایره لوازم خانگی	خرید دایره پوشاک
<u>6/000/000</u>	<u>4/000/000</u>

حساب سود و زیان دوایر

خرید کالا توسط دوایر در دفاتر کل حساب خرید کالا بدهکار می‌گردد و کالای خریداری شده به حساب معین خرید آن دایره منظور می‌شود و هزینه‌های مستقیمی که به هر دایره مربوط می‌شود به همین شکل به حساب معین دایره مربوط انتقال و ثبت می‌گردد و هزینه‌های غیر مستقیم و سربار که به دایره مشخصی تعلق ندارد معمولاً بر اساس ضوابطی بین دوایر تقسیم می‌شوند که به طور معمول هزینه اجاره

محل را بر اساس مساحت زیربنا و فضای که دایره اشغال نموده و هزینه برق نیز بر اساس زیربنا و یا هزینه غذاخوری را بر اساس تعداد کارکنان دایره تسهیم می‌کنند.

به عنوان مثال:

اطلاعات فروشگاه آلفا به شرح زیر است:

شرح	دایره لوازم خانگی	دایره لوازم التحریر	دایره پوشاک
موجودی اول دوره	۵/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰
خرید طی دوره	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰
فروش طی دوره	۱۲/۵۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰
هزینه حقوق پرسنل	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
موجودی آخر دوره	۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰

هزینه‌های عمومی شامل

هزینه آب و برق مصرفی کلاً به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 هزینه اجاره محل به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 هزینه رستوران به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

در ضمن با توجه به اطلاعات زیر:

مساحت زیر بنا دایره لوازم خانگی ۷۰ متر و تعداد پرسنل ۴ نفر

مساحت زیربنا دایره لوازم التحریر ۳۰ متر و تعداد پرسنل ۲ نفر

مساحت زیر بنا دایره پوشاک ۵۰ متر و تعداد پرسنل ۲ نفر

۱۵۰ متر مربع ۸ نفر

مطلوبست تهیه صورت حساب خلاصه سود و زیان، تهیه گزارش سود و زیان:

پاسخ

با توجه به اطلاعات مسئله می‌دانید که هزینه‌های عمومی آب و برق مصرفی و اجاره

محل بر اساس نسبت سطح زیر بنا تسهیم می‌شود:

تقسیم می‌شود:

سهم دایره لوازم خانگی خانگی $933333 = \frac{70}{150} \times 2000000$ = هزینه آب و برق مصرفی

ریال ۲/۰۰۰/۰۰۰

سهم دایره لوازم التحریر $400000 = \frac{30}{150} \times 2000000$

سهم دایره پوشاک $666667 = \frac{50}{150} \times 2000000$

سهم دایره لوازم خانگی $1400000 = \frac{70}{150} \times 3000000$ = هزینه اجاره کل

سهم دایره لوازم التحریر $600000 = \frac{30}{150} \times 3000000$

ریال

$$\text{سهام دایره پوشاک} = 3/000/000 \times \frac{50}{150} = 1/000/000$$

ضمناً هزینه رستوران بر اساس تعداد افراد شاغل در هر دایره تسهیم می شود:

$$\text{سهام دایره لوازم خانگی} = 1/000/000 \times \frac{4}{8} = 500/000$$

$$\text{سهام دایره لوازم التحریر} = 1/000/000 \times \frac{2}{8} = 250/000$$

ریال

$$\text{سهام دایره پوشاک} = 1/000/000 \times \frac{2}{8} = 250/000$$

حساب خلاصه سود و زیان

بستانکار				بدهکار					
جمع	پوشاک	لوازم التحریر	لوازم خانگی	شرح	جمع	پوشاک	لوازم التحریر	دایره لوازم خانگی	شرح
۱۶۷۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰۰۰/۰۰۰	۴۰۰۰۰/۰۰۰	۹۰۰۰۰/۰۰۰	موجودی اول دوره	۹۰۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰۰۰/۰۰۰	
۲۵۱۵۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰۰۰/۰۰۰	۱۲۵۰۰/۰۰۰	فروش	۲۰۰۰۰/۰۰۰	۶۰۰۰۰/۰۰۰	۴۰۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰۰	
۲۵۰/۰۰۰	—	۲۵۰/۰۰۰	—	زیان ویژه نقل به تقسیم سود	۶۰۰۰۰/۰۰۰	۲۰۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰۰۰/۰۰۰	هزینه حقوق
					۲۰۰۰۰/۰۰۰	۶۶۶/۶۶۷	۴۰۰/۰۰۰	۹۳۲/۳۳۳	هزینه آب و برق
					۳۰۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰	هزینه اجاره محل
					۱۰۰۰۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	هزینه رستوران
					۷۵۰/۰۰۰	۸۳۳/۳۳۳	—	۶۶۶/۶۶۷	سود ویژه نقل به تقسیم سود
۴۱۷۵۸۰/۰۰۰	۱۳۰۰۰/۰۰۰	۷۲۵۰۰/۰۰۰	۲۱۵۰۰/۰۰۰		۴۱۷۵۰/۰۰۰	۱۳۰۰۰/۰۰۰	۷۲۵۰/۰۰۰	۲۱۵۰۰/۰۰۰	جمع

گزارش حساب سود و زیان برای سال منتهی به ۱۳XX۱۲/۲۹

شرح	دایره لوزم خانگی	دایره لوازم التحریر	دایره پوشاک	جمع
فروش کالا	۱۲/۵۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۵۰۰/۰۰۰
برگشت از فروش	—	—	—	—
فروش خالص:	۱۲/۵۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۵۰۰/۰۰۰
کر می شود بهای تمام شده کالای فروش رفته:				
موجودی اول دوره	۵/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰
خرید طی دوره	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
کالای آماده برای فروش:	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۲۹/۰۰۰/۰۰۰
کسر می شود موجودی کالای پایان دوره	۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰/۰۰۰
بهای تمام شده کالای فروش رفته:	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۳/۰۰۰/۰۰۰
سود تا ویژه	۶/۵۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۱۲/۵۰۰/۰۰۰
کسر می شود هزینه های عملیات:				
هزینه حقوق	۳/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰
هزینه آب و برق مصرفی	۹۳۳/۳۳۳	۴۰۰/۰۰۰	۶۶۶/۶۶۷	۲/۰۰۰/۰۰۰
هزینه اجاره محل	۱/۴۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰
هزینه رستوران	۵۰۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰
جمع هزینه ها:	۵/۸۳۳/۳۳۳	۲/۲۵۰/۰۰۰	۳/۹۱۶/۶۶۷	۱۲/۰۰۰/۰۰۰
سود یا زیان نقل به حساب تقسیم سود	۶۶۶/۶۶۷	(۲۵۰/۰۰۰)	۸۳/۳۳۳	۵۰۰/۰۰۰

انواع شعب

شعب به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- شعبی که دفاتر مستقل نگهداری می‌کنند.

۲- شعبی که دفاتر مستقل نگهداری نمی‌کنند.

۳- شعب خارجی.

۱- شعبی که دفاتر مستقل نگهداری می‌کنند:

برخی از شعب به علل متفاوتی چون بالا بودن حجم فعالیت، زیادی یا دوری مسافت تا مرکز یا وجود اختیارات بیشتر به رؤسای شعب و سایر موارد ممکن دارای دفاتر حسابداری جداگانه‌ای می‌باشند.

و معاملات خود را مانند یک مؤسسه تجاری مستقل که متعلق به اداره مرکزی است در آنها ثبت می‌نمایند در شعب مستقل با توجه به اینکه دفاتر مالی وجود دارد عملیات حسابداری در شعبه مانند یک واحد تجاری مستقل ثبت می‌شود. با این تفاوت که شعبه دارای حساب سرمایه نمی‌باشد و حساب خاصی به نام حساب مرکز جایگزین آن می‌شود و جهت هماهنگی و امکان ترکیب حساب‌های شعبه و مرکز طبقه بندی حساب‌های دارایی، بدهی، درآمد و هزینه در شعبه و مرکز به صورت یکنواخت صورت می‌گیرد.

روش حسابداری شعب مستقل

در شعب مستقل حسابداری مانند هر مؤسسه مستقل بازرگانی و خدماتی می‌باشد و کلیه اعمال حسابداری که در مؤسسات بازرگانی و یا خدماتی برای رویدادهای مالی انجام می‌گیرد در شعب مستقل نیز صورت می‌پذیرد.

با یک تفاوت که در این گونه شعب یک حساب کنترلی به نام حساب جاری مرکز ایجاد شده که کلیه مبادلات شعب و مرکز در آن ثبت می‌شود.

از طرف دیگر یک حساب کنترلی به نام حساب جاری شعبه در دفاتر مرکز ایجاد می‌شود که حساب متقابل حساب جاری مرکز در دفاتر شعبه می‌باشد و در واقع مبادلات مرکز یا شعبه در دفاتر مرکز در این حساب ثبت می‌شود و اصولاً مانده این دو حساب برابر می‌باشد. به عنوان مثال:

زمان ارسال کالا به شعبه ثبتهای زیر در دفاتر مالی مرکز و شعبه صورت می‌پذیرد:

دفاتر مالی مرکز دفاتر مالی شعبه

۱- زمان ارسال کالا

حساب جاری شعبه	بدهکار	کالای دریافتی از مرکز	بدهکار
کالای ارسالی	بستانکار	حساب جاری مرکز	بستانکار

۲- یا زمان واريز ارسال وجه نقد از شعبه به مرکز:

حساب نقد و بانک	بدهکار	حساب جاری مرکز	بدهکار
حساب جاری شعبه	بستانکار	حساب نقد و بانک	بستانکار

تهیه صورت های مالی در شعب مستقل

در شعب مستقل گزارش اطلاعات نتایج مالی به مراکز ارائه شده و این اطلاعات با اطلاعات مالی مرکز ترکیب می شود و یک گزارش ترکیبی تهیه می شود به عنوان

مثال:

الف - نحوه تهیه ترازنامه ترکیبی شعبه و مرکز

کاربرگ ترازنامه ترکیبی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۹

ترازنامه ترکیبی		حذفها		شعبه		مرکز		شرح
بس	بد	بس	بد	بس	بد	بس	بد	
	۳۵۰/۰۰۰				۱۵۰/۰۰۰		۲۰۰/۰۰۰	موجودی نقد و بانک
	۷۴۰/۰۰۰				۳۹۰/۰۰۰		۳۵۰/۰۰۰	حسابهای اسناد دریافتی
	۴۹۰/۰۰۰				۲۶۰/۰۰۰		۲۳۰/۰۰۰	موجودی کالا
		۵۲۰/۰۰۰					۵۲۰/۰۰۰	جاری شعبه
۵۶۰/۰۰۰				۱۸۰/۰۰۰		۳۸۰/۰۰۰		حسابهای اسناد پرداختی
			۵۲۰/۰۰۰	۵۲۰/۰۰۰				جاری مرکز
۶۵۰/۰۰۰						۶۵۰/۰۰۰		سرمایه
۳۷۰/۰۰۰				۱۰۰/۰۰۰		۲۷۰/۰۰۰		سود
۱/۵۸۰/۰۰۰	۱/۵۸۰/۰۰۰	۵۲۰/۰۰۰	۵۲۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰	جمع

ب- نحوه تهیه صورت حساب سود و زیان ترکیبی شعبه و مرکز:

کاربرگ صورت سود و زیان ترکیبی برای سال مالی منتهی به ۱۳XX/۱۲/۲۹

شرح	مرکز		شعبه		حذفها		صورت سود و زیان ترکیبی	
	بس	بد	بس	بد	بس	بد	بس	بد
فروش	۱/۸۰۰/۰۰۰		۱/۳۰۰/۰۰۰				۳/۱۰۰/۰۰۰	
موجودی کالای اول دوره	۸۰۰/۰۰۰		۳۰۰/۰۰۰				۱/۱۰۰/۰۰۰	
خرید طی دوره		۱/۶۰۰/۰۰۰						۱/۶۰۰/۰۰۰
کالای ارسالی به شعبه				۱/۱۰۰/۰۰۰				
کالای دریافتی از مرکز	—			۱/۱۰۰/۰۰۰		۱/۱۰۰/۰۰۰		
موجودی کالای پایان دوره				۴۴۰/۰۰۰				۱/۱۰۰/۰۰۰
هزینه های عملیات		۹۰۰/۰۰۰		۲۴۰/۰۰۰				۱/۱۴۰/۰۰۰
جمع	۳/۵۷۰/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰	۱/۶۴۰/۰۰۰	۱/۷۴۰/۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰	۳/۱۸۴۰/۰۰۰	۴/۲۱۰/۰۰۰
سود ویژه		۲۷۰/۰۰۰		۱۰۰/۰۰۰				۳۷۰/۰۰۰
جمع کل	۳/۵۷۰/۰۰۰	۳/۵۷۰/۰۰۰	۱/۷۴۰/۰۰۰	۱/۷۴۰/۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰	۴/۲۱۰/۰۰۰	۴/۲۱۰/۰۰۰

با توجه به صورت حساب سود و زیان ترکیبی ملاحظه شد سود ویژه مرکز به

تنهایی ۲۷۰/۰۰۰ ریال و سود شعبه ۱۰۰/۰۰۰ ریال می باشد در مجموع سود ویژه

ترکیبی ۳۷۰/۰۰۰ ریال می باشد.

۲- شعبی که دفاتر مستقل نگهداری نمی کنند.

در این گونه شعب عملیات مالی شعبه در دفاتر مؤسسات مرکزی ثبت می‌شود و این شعبه گزارش فعالیت‌هایشان را با توجه به حجم کار خود به صورت روزانه، هفتگی و یا ماهیانه به دفتر مرکزی ارسال می‌کنند و وجوه نقد حاصل از فروش و یا دریافت مطالبات شعب به حساب بانکی مرکز واریز می‌شود.

اینگونه شعب معمولاً موجودی کالای مورد نیاز خود را از انبار مرکزی دریافت می‌کنند و صورت حساب آن از مرکز به شعبه ارسال می‌شود و به طور خلاصه باید گفت شعب غیرمستقل شعبی هستند که دفاتر مالی به صورت جداگانه ندارند بلکه کلیه عملیات مالی در دفتر مرکزی مؤسسه ثبت می‌شود.

با توجه به این صورت حساب کالا از مرکز به شعبه ارسال می‌شود، در واقع قیمت کالا توسط مرکز تعیین می‌شود و معمولاً کالاهای ارسالی با یکی از قیمت‌های زیر به شعبه ارسال می‌گردد.

۱- ارسال کالا به قیمت تمام شده به شعب

۲- ارسال کالا به قیمت فروش به شعب

۳- ارسال کالا به قیمت تمام شده به علاوه چند درصد سود به شعب

۱- ارسال کالا به قیمت تمام شده به شعب

در این روش با توجه به اینکه شعبه دفاتر مستقل ندارد و مرکز عملیات حسابداری را در دفاتر ثبت می‌کند، مرکز کالای ارسال شده به شعبه را به قیمت تمام شده در حساب‌ها ثبت می‌کند. در این حالت که معمولاً برای مؤسساتی به کار برده می‌شود

که کالای فاسد شدنی را به شعبه ارسال می‌کنند و شعبه بنابر نظر خود قیمت فروش را تعیین و کالا را به فروش می‌رساند و با توجه به ارسال اطلاعات به مرکز، مرکز حساب‌های مربوطه را بدهکار یا بستانکار می‌نمایند.

در حسابداری شعب دو حساب با نام

۱- حساب کالای شعبه

۲- حساب کالای ارسالی به شعبه نگهداری می‌شود.

۲- ارسال کالا به قیمت فروش به شعب

در شرایط اقتصادی که قیمت کالا نوسان زیادی ندارد و قیمت فروش ثابت می‌باشد و فروش کالا تحت شرایط خاصی همچون فاسد شدن قرار نمی‌گیرد و مرکز کالا را به قیمت فروش تعیین شده به شعبه ارسال و سیاهه می‌کند.

۳- ارسال کالا به قیمت تمام شده بعلاوه چند درصد سود به شعب:

در مواردی که تعیین قیمت قطعی به علی چون نوسان قیمت فروش در بازار امکان پذیر نباشد سود تقریبی برآورد و به قیمت تمام شده کالای ارسالی اضافه و به حساب شعبه منظور می‌گردد.

در این روش علاوه بر حساب کالای شعبه و حساب کالای ارسالی به شعبه، حساب تعدیل کالای شعبه به وجود خواهد آمد که سود ناویژه شعبه از طریق این حساب محاسبه خواهد شد.

۴- شعب خارجی

یکی دیگر از انواع شعب، شعب خارجی می‌باشد که این گونه شعب در خارج از کشور محل اقامت اداره مرکزی واقع شده‌اند که عملیات حسابداری آن‌ها زیاد پیچیده نمی‌باشد بلکه با توجه به اینکه معمولاً این شعب به صورت مستقل عمل می‌کنند و معاملات خود را با پول رایج کشور محل اقامت انجام می‌دهند در گزارش‌های مالی کل که مرکز از فعالیت مرکز و شعبه تهیه می‌کند باید اقلام صورت‌های مالی شعبه به نرخ پول رایج کشور محل اقامت اداره مرکزی تبدیل (تسعیر) شود.

فصل نهم: تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش

تعریف سرمایه در گردش

فزونی دارایی جاری بر بدهی جاری را سرمایه در گردش می‌نامند یا به عبارتی حاصل تفریق دارایی جاری منهای بدهی جاری را سرمایه در گردش می‌نامند. و حاصل:

موجودی نقدی + مطالبات + کالا + سایر دارایی‌های جاری منهای (-) بدهی‌های جاری).

فرمول سرمایه در گردش:

تغییرات سرمایه در گردش = تغییرات بدهی جاری - تغییرات دارایی جاری

به عنوان مثال

دارایی‌های جاری شرکت X به مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

بدهی‌های جاری شرکت X به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

بنابراین تغییرات سرمایه در گردش به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

$$۷۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۲۰/۰۰۰/۰۰۰$$

وقتی مبالغی یکسان بر دارایی جاری و بدهی جاری افزوده و یا از هر دو آنها کاسته

شود بر مبلغ سرمایه در گردش تأثیری نمی‌گذارد اما رابطه سرمایه در گردش را با

اقدام تشکیل دهنده آن شامل:

۱- تغییرات در ارزش ویژه

۲- تغییرات در بدهی بلند مدت

۳- تغییرات در دارایی ثابت (غیرجاری) را تغییر می‌دهد.

هدف از تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش تشخیص عواملی است که در آن تغییراتی

را بوجود آورده‌اند و به طور کلی تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش نشان می‌دهد که

در فاصله دو دوره مالی چه جوهی به دست آمده و به چه مصارفی رسیده است.

مراحل تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش

از دید کلی تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش شامل دو مرحله می‌شود:

۱- مقایسه و تعیین تغییرات در فاصله دو دوره مالی و به بیان دیگر کاربرد فنون

دستیابی به تغییرات سرمایه در گردش.

۲- ارزیابی و تفسیر نتایج حاصل از مرحله اول در این مرحله تفسیر تغییرات نیاز به تفکر و تعمق دارد زیرا مرحله اول معلول را نشان می‌دهد ولی در تفسیر باید علت را جستجو و پیدا کرد.

تغییرات سرمایه در گردش

اقلام تشکیل دهنده تغییرات سرمایه در گردش یا معاملاتی که سرمایه در گردش را تغییر می‌دهد به سه دسته اصلی طبقه بندی می‌گردند:

الف - تغییرات در ارزش ویژه

ارزش ویژه عبارتست از آن قسمت از ترازنامه که مالکیت صاحبان سهام را نشان می‌دهد از عنوان حقوق صاحبان سهام یا ارزش ویژه استفاده می‌شود.

هر افزایشی که در ارزش ویژه در فاصله دو دوره مالی پیدا شده باشد منبعی از لحاظ افزایش سرمایه در گردش به شمار می‌رود. و برعکس هر گونه کاهش به وجود آمده باشد در زمره مصارف محسوب و موجب کاهش سرمایه در گردش می‌شود.

به عنوان مثال

چنانچه در طی سال مالی ۱۳۸۷ ارزش ویژه مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داشته باشد.

منشأً این افزایش، سود شرکت به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده است که از مبلغ کل سود مکتسبه مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای پرداخت سود سهام به مصرف رسیده است. در واقع مابه التفاوت سود کسب شده و پرداختی به اعضا (۱۴/۰۰۰/۰۰۰ - ۲۰/۰۰۰/۰۰۰) مبلغی است که به طور خالص به سرمایه در گردش افزوده شده است.

نکته

- سود عملیات منبعی برای افزایش سرمایه در گردش و برعکس زبان عملیات خطر بزرگ برای کاهش سرمایه در گردش می باشد.
- فروش سهام جدید یا افزایش نقدی سهام اعضا سرمایه در گردش را برای مدت نامحدود افزایش می دهد و سود سهام نقدی پرداختی به اعضا موجب کاهش سرمایه در گردش می گردد.
- سود حاصل از فروش اقلامی از دارایی های ثابت یا وصول درآمدی که در سال های قبل تحصیل شده موجب افزایش سرمایه در گردش و برعکس دینی که در سال های گذشته به اشتباه ثبت نشده در سالی که در حساب ها منعکس و پرداخت می شود سبب کاهش سرمایه در گردش می گردد.

ب: تغییرات در بدهی بلند مدت

افزایش در بدهی بلند مدت در طی دوره مالی منبعی در جهت افزایش سرمایه در گردش محسوب می شود. طبعاً هرگونه کاهش در بدهی بلند مدت پیدا شود از مصارف وجوه حکایت می کند و موجب کاهش سرمایه در گردش می گردد.

غالباً ایجاد یا افزایش بدهی بلند مدت بر سرمایه در گردش می‌افزاید و واریز و تسویه بدهی بلند مدت طبعاً سرمایه در گردش را کاهش می‌دهد.

به عنوان مثال

در طی سال مالی ۱۳XX مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال از وام بلند مدت کاسته و به حساب بدهی جاری منظور شده است و حکایت از این می‌کند که برابر این مبلغ سرمایه در گردش کاهش یافته است. درست است که عملاً این مبلغ پرداخت نشده و در واقع بدهی تقلیل نیافته است اما چون سررسید پرداخت آن به زودی فرا می‌رسد جز بدهی جاری منظور شده است و چون بدهی جاری در محاسبه سرمایه در گردش اثر کاهنده دارد طبعاً آن را تقلیل می‌دهد.

ج: تغییرات در دارایی ثابت

کاهش در دارایی ثابت خالص در فاصله دو دوره مالی موجب افزایش وجوه و نتیجتاً افزایش سرمایه در گردش می‌شود برعکس افزایش دارایی ثابت از کاربرد وجوه در تحصیل آن سبب کاهش سرمایه در گردش خواهد شد.

مثال تشریحی با پاسخ

صورت‌های مالی دو سال متوالی (سالهای ۱۳X۶ و ۱۳X۷) شرکت امید به شرح زیر است.

ضمناً در سال مزبور سرمایه در گردش از رقم ۶۷/۰۰۰ میلیون ریال به ۷۴/۰۰۰ میلیون ریال در واقع به مبلغ ۷/۰۰۰ میلیون ریال افزایش یافته است.

بررسی افزایش سرمایه در گردش و تغییرات حاصل از ارزش ویژه، بدهی بلند مدت،
و دارایی‌های ثابت. در ضمن سود خالص سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۱۵۰۰۰ میلیون ریال و
سود سهام پرداختی ۱۰/۰۰۰ میلیون ریال بوده است.

شرکت امید جدول تغییرات سرمایه در گردش «ارقام به هزار

ریال»

تغییرات در مبلغ سرمایه در گزارش		تغییرات در اجزای تشکیل دهنده سرمایه در گردش		تراز مقایسه ای ۲۹ اسفند		عنوان
				سال ۱۳×۶	سال ۱۳×۷	
کاهش	افزایش	کاهش	افزایش			
			۵/۰۰۰	۱۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰	موجودی نقد و بانک
			۱۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۴۰/۰۰۰	بدهکاران
			۱۵/۰۰۰	۴۰/۰۰۰	۵۵/۰۰۰	موجودی کالا
		۴/۰۰۰		۵/۰۰۰	۱/۰۰۰	اسناد دریافتی
				۸۵/۰۰۰	۱۱۱/۰۰۰	جمع دارایی جاری
	۳/۰۰۰			۳۵/۰۰۰	۳۲/۰۰۰	دارایی ثابت خالص
۱/۰۰۰				۴/۰۰۰	۵/۰۰۰	پیش پرداختهای بلند مدت
	۳/۰۰۰			۹/۰۰۰	۶/۰۰۰	سایر دانیهای بلند مدت
				۱۳۳/۰۰۰	۱۵۴/۰۰۰	جمع کل دارائیهها
				۱۴/۰۰۰	۱۴/۰۰۰	بستانکاران
		۱۵/۰۰۰		—	۱۵/۰۰۰	اسناد پرداختی
		۲/۰۰۰		۴/۰۰۰	۶/۰۰۰	بدهی تکلیفی
		۲/۰۰۰		—	۲/۰۰۰	قسط جاری وام بلند مدت
				۱۸/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	بدهیهای جاری
۲/۰۰۰				۱۰/۰۰۰	۸/۰۰۰	وام بلندمدت
۱/۰۰۰				۵۰/۰۰۰	۴۹/۰۰۰	سرمایه
	۵/۰۰۰			۵۵/۰۰۰	۶۰/۰۰۰	سود سنواتی (انباشته)
۴/۰۰۰	۱۱/۰۰۰	۲۳/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۱۳۳/۰۰۰	۱۵۴/۰۰۰	جمع کل بدهیهای و حقوق صاحبان سهام
۷/۰۰۰		۷/۰۰۰		۶۷/۰۰۰	۷۴/۰۰۰	تغییرات سرمایه در گردش (افزایش)
۱۱/۰۰۰	۱۱/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰			جمع

در مثال فوق می‌بینیم که در طی سال ۱۳۸۷ سرمایه در گرد ۷۰۰۰ میلیون ریال افزایش پیدا کرده است.

سرمایه گذاری در دارایی جاری برابر ۲۶/۰۰۰ میلیون ریال افزایش یافته شامل:

افزایش وجه نقد و بانک ۵۰۰۰ میلیون ریال

افزایش بدهکاران ۱۰/۰۰۰ میلیون ریال

افزایش موجودی‌ها ۱۵۰۰۰ میلیون ریال

جمع افزایش ۳۰/۰۰۰ میلیون ریال

کاهش اسناد دریافتنی (۴۰۰۰) میلیون ریال

در نهایت افزایش در دارایی جاری ۲۶۰۰۰ میلیون ریال

در عین حال بدهی جاری به مبلغ ۱۹۰۰۰ ریال افزایش یافته است. شامل:

افزایش اسناد پرداختنی ۱۵۰۰۰ میلیون ریال

افزایش بدهی تکلیفی ۲۰۰۰ میلیون ریال

افزایش قسط جاری وام بلند مدت ۲۰۰۰ میلیون ریال

جمع افزایش در بدهی‌های جاری ۱۹۰۰۰ میلیون ریال

حال افزایش خالص سرمایه در گردش به شرح زیر ارائه می‌گردد:

افزایش سرمایه در گردش = افزایش بدهی جاری = افزایش دارایی جاری

$$۲۶۰۰۰ - ۱۹۰۰۰ = ۷۰۰۰$$

و صورت تغییرات اجزای تشکیل دهنده سرمایه در گردش بطور جامع نشان می‌دهد:

صورت تغییرات		عنوان
کاهش	افزایش	
-	۵/۰۰۰	موجودی نقدی بانک
-	۱۰/۰۰۰	بدهکاران
-	۱۵/۰۰۰	موجودی کالا
۴/۰۰۰	-	اسناد دریافتی
۱۵/۰۰۰	-	اسناد پرداختی
۲/۰۰۰	-	بدهی تکلیفی
۲/۰۰۰	-	قسط جاری وام بلند مدت
۲۳/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	جمع
۷/۰۰۰	-	افزایش سرمایه در گردش
۳۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	موازنه

منابع افزایش سرمایه در گردش مثال یاد شده در مراحل صورت تغییرات ذیلت

شریح و خلاصه می‌کنیم.

ارزش ویژه

در سال مالی ۱۳۸۷ ارزش ویژه به مبلغ ۴۰۰۰ میلیون ریال افزایش داشته، منشأ این

افزایش شامل:

افزایش در سود خالص سال ۱۳۸۷ به مبلغ ۱۵/۰۰۰ میلیون ریال

کاهش سود سهام پرداختی (۱۰/۰۰۰) میلیون ریال

کاهش در سرمایه (۱/۰۰۰) میلیون ریال

۴۰۰۰ میلیون ریال

مبلغ چهار میلیون ریال مابه‌التفاوت سود مکتسبه به طور خالص بر سرمایه در گردش افزوده شده است.

بدهی بلند مدت

در طول سال مبلغ ۲/۰۰۰ میلیون ریال از وام بلندمدت کاسته شده است و حکایت از این می‌کند که برابر این مبلغ سرمایه در گردش کاهش یافته است.

دارایی‌های ثابت (غیرجاری)

این دارایی‌ها به مبلغ ۵/۰۰۰ میلیون ریال کاهش نشان می‌دهد که سبب افزایش سرمایه در گردش شده است. شامل:

افزایش پیش پرداخت‌های بلند مدت به مبلغ ۱۰۰۰ میلیون

ریال

کاهش خالص دارایی ثابت (۳۰۰۰) میلیون

ریال

کاهش سایر دارایی‌های بلند مدت (۳۰۰۰) میلیون

ریال

(۵۰۰۰) میلیون

ریال

که در نتیجه خالص ارقام کاهش فوق منجر به افزایش سرمایه در گردش گردیده است.

صورت تغییرات سرمایه در گردش

ارقام میلیون ریال	ارقام میلیون ریال	عنوان
۶۷/۰۰۰	-	سرمایه در گردش پایان دوره مالی ۱۳۸۶
	۱۵/۰۰۰	افزایش می شود:
	۳/۰۰۰	سود خالص
	۳/۰۰۰	کاهش خالص دارایی ثابت
		کاهش سایر دارایی های بلند مدت
۲۱/۰۰۰		
۸۸/۰۰۰		جمع
		کسر می شود:
	۱۰/۰۰۰	سود سهام پرداختی
	۱۰/۰۰	کاهش سرمایه
	۲/۰۰۰	قسط جاری وام بلند مدت
(۱۴/۰۰۰)	۱/۰۰۰	افزایش در پیش پرداختهای بلند مدت
۷۴/۰۰۰		سرمایه در گردش پایان دوره مالی ۱۳۸۷

فصل دهم: طبقه بندی نسبت‌های مالی

تعریف نسبت‌های مالی

نسبت‌های مالی، مجموعه‌ای از معیارهای خلاصه را در ارتباط با بدهی‌ها، کارایی عملیات و سودآوری واحد انتفاعی را در اختیار تحلیل‌گران مالی می‌گذارد.

این نسبت‌ها به چهار گروه اصلی طبقه بندی می‌شوند:

۱- نسبت‌های نقدینگی

این نسبت ظرفیت و توان واحد انتفاعی را برای انجام تعهدات کوتاه مدت نشان می‌دهد که از محل دارایی‌های جاری تأمین خواهد شد.

اهم این نسبت‌ها عبارتند از:

الف - نسبت جاری

ب - نسبت آنی

ج - نسبت سرمایه در گردش یا گردش نقدی

الف - نسبت جاری

این نسبت نشان می‌دهد که دارایی جاری تا چه اندازه بدهی جاری را می‌پوشاند و نسبت مذکور را مقیاس نقدینگی در کوتاه مدت می‌دانند و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

دارایی‌های جاری = نسبت جاری

بدهی‌های جاری

به عنوان مثال: در صورتی که جمع دارایی جاری شرکتی ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و بدهی جاری آن شرکت ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد نسبت جاری می‌شود:

$$\text{نسبت جاری} = \frac{۲۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱۰/۰۰۰/۰۰۰} = ۲$$

مفهوم این نسبت چنین است که دو برابر مبلغ بدهی جاری یا کوتاه مدت برای واریز آن به حساب‌های دارایی جاری اعتبار موجود است و یا به عبارتی در مقابل هر یک ریال بدهی جاری دو ریال دارایی جاری وجود دارد که در این حالت می‌گوییم نسبت جاری ۲ و یا ۲۰۰٪ (دویست درصد) می‌باشد و آن را به صورت نسبت دو به یک و یا نشان می‌دهند.

به طور کلی می‌توان گفت که هر قدر نسبت جاری بزرگ‌تر باشد بستانکاران تأمین بیشتری خواهند داشت.

ب: نسبت انی

در این نسبت جانب حزم و احتیاط در تأمین مطالبات طلبکاران رعایت شده است که چون موجودی کالا و پیش پرداخت‌ها همیشه قابل تبدیل به نقد نیستند آن‌ها را کنار می‌گذاریم و دارایی جاری را منهای این دو قلم، دارایی آنی می‌نامیم و با بدهی جاری می‌سنجیم. در این حالت نسبت بیش از یک را معمولاً مطلوب تلقی می‌کنند و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{پیش پرداختها} + \text{موجودی موارد کالا} - \text{دارایی های جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$$

بدهی‌های جاری

در نتیجه این نسبت نشان می‌دهد که چه قسمت از دارایی جاری به صورت نقد پاسخگو بستانکاران کوتاه مدت می‌باشد. یا به عبارتی این نسبت به وضوح نشان می‌دهد که آن قسمت از دارایی جاری که از لحاظ ارزش ثبات بیشتری دارد و احتمال کاهش در آن کمتر است تا چه میزان می‌تواند پشتوانه طلبکاران کوتاه مدت قرار گیرد.

به عنوان مثال: دارایی‌های جاری شرکت X به صورت زیر می‌باشد:

موجودی نقد و بانک	ریال ۵/۰۰۰/۰۰۰۰
بدهکاران	ریال ۴/۰۰۰/۰۰۰۰
پیش پرداخت ها	ریال ۲/۰۰۰/۰۰۰۰
موجودی کالا	ریال ۴/۰۰۰/۰۰۰۰
جمع دارایی‌های جاری	ریال ۱۵/۰۰۰/۰۰۰۰
بدهی‌های جاری شامل:	
بستانکاران	ریال ۶/۰۰۰/۰۰۰۰
اسناد پرداختنی	ریال ۳/۰۰۰/۰۰۰۰
جمع بدهی‌های جاری	ریال ۹/۰۰۰/۰۰۰۰

نسبت آنی شرکت X به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{دارایی آنی} - (۴.۰۰۰.۰۰۰ + ۲.۰۰۰.۰۰۰)}{۹.۰۰۰.۰۰۰} = \frac{۱۵.۰۰۰.۰۰۰ - ۶.۰۰۰.۰۰۰}{۹.۰۰۰.۰۰۰} = ۱$$

بدهی‌های جاری

ج: نسبت سرمایه در گردش یا گردش نقدی

به منظور پویا کردن نسبت جاری در محاسبه به جای دارایی جاری از گردش نقدی حاصل از عملیات استفاده کرده و آن را نسبت گردش نقدی عنوان داده‌اند و به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

گردش نقدی حاصل از عملیات = نسبت گردش نقدی

بدهی‌های جاری

در این نسبت، بدهی‌های جاری با منبری که می‌باید از آن محل آن‌ها را پرداخت کرد مورد مقایسه قرار خواهند گرفت که آن منبع حاصل سرمایه در گردش می‌باشد. سرمایه در گردش عبارتست از حاصل تفریق دارایی جاری منهای بدهی جاری می‌باشند. به عنوان مثال:

اطلاعات زیر در شرکت آلفا موجود می‌باشد.

جمع دارایی‌های شرکت ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال آن دارایی‌های جاری و مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال دارایی‌های ثابت می‌باشد و جمع بدهی‌های جاری شرکت نیز ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. در این صورت سرمایه در گردش شرکت به صورت زیر محاسبه خواهد شد:

بدهی‌های جاری - دارایی‌های جاری = سرمایه در گردش

$۱۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ =$ سرمایه در گردش

۲- نسبت‌های فعالیت

این نسبت چگونگی به کارگیری دارایی‌های واحد انتفاعی را برای ایجاد درآمد فروش نشان می‌دهد با به کارگیری این نسبت ظرفیت‌های بلا استفاده واحد انتفاعی شناسایی می‌گردد.

مهم‌ترین نسبت‌های فعالیت عبارتند از:

الف - دوره وصول مطالبات

ب- نسبت گردش کالا

ج - نسبت کالا به سرمایه در گردش

د - نسبت گردش سرمایه جاری

الف: دوره وصول مطالبات

این نسبت متوسط مدتی را که از فروش شروع و به وصول مطالبات می‌انجامد را نشان می‌دهد و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

۳۶۵ یا $۳۶۰ \times$ متوسط مطالبات = دوره وصول مطالبات

فروش نسبه سالانه

بنابراین برای محاسبه متوسط مطالبات، مطالبات ابتدای دوره به علاوه مطالبات پایان دوره تقسیم بر دو می‌نماییم.

مطالبات اول دوره + مطالبات پایان دوره - متوسط مطالبات

بنابراین برای دستیابی به دوره وصول مطالبات لازم است تعداد دفعاتی که در طی یک سال مطالبات تبدیل به نقد می‌شوند به شرح زیر محاسبه نمود:

فروش نسبه سالیانه = گردش مطالبات

متوسط مطالبات

مثال: جمع فروش‌های نسبه شرکت پیمان به مبلغ ۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. از طرف دیگر مانده مطالبات در ابتدای دوره به مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و در پایان دوره مالی به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

مطلوب است محاسبه گردش مطالبات شرکت و دوره وصول مطالبات.

$$\text{متوسط مطالبات} = \frac{۳.۰۰۰.۰۰۰ + ۷.۰۰۰.۰۰۰}{۲} = ۵.۰۰۰.۰۰۰$$

$$\text{گردش مطالبات} = \frac{۴۵.۰۰۰.۰۰۰}{۵.۰۰۰.۰۰۰} = ۹$$

مفهوم این است که مطالبات شرکت در سال ۹ مرتبه گردش دارد و تبدیل به نقد می‌شود.

$$\text{دوره وصول مطالبات} = \frac{۵.۰۰۰.۰۰۰ \times ۳۶۰}{۴۵.۰۰۰.۰۰۰} = ۴۰$$

بنابراین هر ۴۰ روز مطالبات فروش‌های نسبه وصول خواهد شد و باید توجه داشت که دوره وصول مطالبات اختلاف زیادی با شرایط فروش نسبه نباید داشته باشد. به عنوان مثال چنانچه شرط فروش نسبه ۲۰ روزه باشد و دوره وصول مطالبات ۴۰ روزه بدست آید این اختلاف حاکی از کندی شرکت در وصول مطالبات می‌باشد.

ب: نسبت گردش کالا

این نسبت مدت زمانی را نشان می‌دهد که طول می‌کشد تا کالا فروخته شود و مهم‌ترین راهی که می‌توان به وضع کالا پی برد تعیین (دفعات) گردش کالا است.

دفعات گردش کالا به ترتیب ذیل حاصل می‌گردد:

۱- در ابتدا متوسط موجودی کالا را در سال تعیین می‌کنیم که در این صورت

وقتی موجودی کالا سالی یک بار تعیین شود متوسط موجودی به شرح ذیل

محاسبه می‌گردد:

$$\text{موجودی پایان سال} + \text{موجودی اول سال} = \text{متوسط کالا}$$

۲

۲- سپس دفعات گردش کالا به قرار زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته} = \text{دفعات گردش کالا}$$

متوسط موجودی کالا

۳- آنگاه دوره گردش کالا بر حسب روز محاسبه خواهد شد.

$$\text{۳۶۰ روز} = \text{دفعات گردش کالا}$$

دفعات گردش کالا

$$\text{متوسط} = \frac{۶.۰۰۰.۰۰۰ \times ۴.۰۰۰.۰۰۰}{۲} = ۵.۰۰۰.۰۰۰ \quad \text{مثال:}$$

موجودی کالا

$$\text{دفعات گردش کالا} = \frac{۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰}{۵۰.۰۰۰.۰۰۰} = ۴$$

$$\text{دوره گردش کالا} = \frac{۳۶۰}{۴} = ۹۰$$

فرض کنیم شرکتی موجودی کالا در اول دوره به مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و در پایان دوره مالی به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد و بهای تمام شده کالای فروش رفته به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بالغ شود محاسبه دوره گردش کالا چنین می‌شود:

بدین معنی است که هر ۹۰ روز یک بار انبار کالا پر و خالی شده یا کالا چهار بار در سال گردش داشته است.

بنابراین بالا بودن نسبت گردش کالا معمولاً مطلوب‌تر است چرا که منطقی است هر بار که کالا به فروش می‌رود سودی نیز تحقق پیدا می‌کند.

ج: نسبت کالا به سرمایه در گردش

این نسبت نشان می‌دهد که چند درصد سرمایه در گردش به صورت موجودی کالا در آمده است. بالا بودن این نسبت نشانه‌ای بر وجود مشکل در گردش عملیات جاری تلقی می‌شود. سرمایه در گردش حاصل: موجودی نقد + مطالبات + کالا + سایر دارایی‌های جاری منهای بدهی‌های جاری

نسبت زیر توانایی مالی شرکت را از نقطه نظر سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد:

موجودی کالا = نسبت کالا به سرمایه در گردش

سرمایه در گردش

نسبت کالا به سرمایه در گردش معمولاً باید کمتر از ۱۰۰٪ باشد. نسبت پیش از صد در صد (بیش از یک) حاکی از اینست که موجودی کالا در مقایسه با منابع مالی

شرکت در اختیار دارد رقم بزرگی را تشکیل می‌دهد یا به بیان دیگر افزایش حجم کالا متناسب با وضع مالی شرکت نیست.

د: نسبت گردش سرمایه جاری:

این نسبت حاکی است که سرمایه در گردش تا چه اندازه در فروش مؤثر بوده است. افزایش این نسبت دلیل به کمبود سرمایه در گردش تلقی می‌شود مگر قرائن دیگری مثل افزایش فروش آن را نفی کند.

گردش سرمایه جاری به شرح زیر تعیین می‌شود:

فروش خالص = گردش سرمایه جاری

سرمایه در گردش

نسبت فوق نشان می‌دهد که سرمایه در گردش چگونه در مسیر فروش به کار رفته است. در مقایسه هر چه این نسبت به صورت واقعی بالا باشد و یا در مقام سنجش با گذشته خود شرکت و یا با استاندارد صنعت مربوط اختلاف زیادی را نشان دهد اهمیت پیدا می‌کند.

فرض کنید گردش سرمایه جاری در شرکتی در پایان سال گذشته ۲۰ برابر سال ماقبل آن باشد. این افزایش ممکن است حاصل ۲۰ برابر شدن فروش باشد که طبعاً مطلوب تشخیص داده می‌شود اما اگر فروش ثابت باقی مانده ولی سرمایه در گردش به یک بیستم $\left(\frac{1}{۲۰}\right)$ سال قبل آن کاهش یافته باشد. وضع شرکت را هرگز مطلوب نمی‌توان دانست.

۳- نسبت‌های سرمایه گذاری

نسبت‌های سرمایه گذاری یا اهرم مالی که نشان می‌دهند ظرفیت واحد انتفاعی برای انجام تعهدات کوتاه مدت و بلندمدت می‌باشد. و بر دو نوع هستند. یکی نسبتی که به وسیله آن میزان سرمایه گذاری در دارایی ثابت سنجیده می‌شود و دیگری نسبت‌هایی که رابطه منابع مالی مورد استفاده واحد تجاری را از لحاظ بدهی‌های جاری و بلند مدت با ارزش ویژه تعیین و ارزیابی می‌کند. و در واقع نحوه ترکیب آن‌ها را بررسی می‌نماید.

مهم‌ترین نسبت‌های سرمایه گذاری عبارتند از:

الف) نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه

ب) نسبت کل بدهی

ج) نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه

د) نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه

ارزش ویژه

آن قسمت از ترازنامه که مایملک صاحبان سهام را نشان می‌دهد از عنوان حقوق صاحبان سهام یا ارزش ویژه استفاده می‌شود.

الف- نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه

این نسبت نشان می‌دهد که چه مقدار از ارزش ویژه به مصرف دارایی ثابت رسیده و به بیان دیگر چه مقدار از سرمایه گذاری صاحبان سهام از گردش عملیات جاری واحد تجاری خارج شده است و به شرح زیر تعیین می‌شود:

دارایی ثابت = نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه

ارزش ویژه

وقتی نسبت پایین باشد نقدینگی بالاست. این نسبت در شرکت‌های غیرصنعتی نباید از ۷۰٪ تجاوز کند. و تجاوز از این حد حاکی از آنست که قسمتی از مطالبات اشخاص شرکت‌ها از واحد تجاری در دارایی ثابت سرمایه گذاری شده است که وضعیت مطلوب نمی‌باشد.

نهایتاً هر چه سرمایه گذاری در دارایی ثابت کمتر باشد وضعیت سودمندتر و مطلوب‌تر خواهد بود.

ب- نسبت کل بدهی:

این نسبت وضع طلبکاران را در مقابل صاحبان سهام نشان می‌دهد که هر یک تا چه اندازه در واحد تجاری سرمایه گذاری کرده‌اند و غالباً تعیین کننده اطمینان و تأمینی است که به طور کلی بستانکاران برای وصول مطالبات خود می‌توانند داشته باشند و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

کل بدهی = نسبت کل بدهی

ارزش ویژه

این نسبت نشان می‌دهد که جمع بدهی اعم از جاری و بلند مدت چه سهمی از مایملک صاحبان سهام را دربرمی‌گیرد. طبعاً هر چه نسبت بزرگتر باشد طلبکاران تأمین کمتری خواهند داشت و معمولاً وقتی نسبت مذکور به حدود ۱۰۰٪ برسد و یا از آن تجاوز کند وضع غیرعادی تلقی می‌شود زیرا مفهوم آن این است که در صورت ورشکستگی و تصفیه، طلبکاران به تمامی مطالباتشان نمی‌رسند.

ج - نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه

این نسبت حاکی از رابطه بدهی جاری با ارزش ویژه است و از مقایسه بدهی جاری با ارزش ویژه به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

بدهی جاری = نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه

ارزش ویژه

هدف از کاربرد نسبت فوق تعیین وضع (مطالبات) طلبکاران کوتاه مدت است که در صورت بروز خطر چه پوششی برای تأمین مطالباتشان از لحاظ حقوق صاحبان سهام پیدا می‌کنند. و وقتی این نسبت بالا باشد نامطلوب تشخیص داده می‌شود و افزایش مستمر آن ایجاب می‌کند که در نحوه ترکیب سرمایه گذاری تجدید نظر گردد.

د - نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه

این نسبت رابطه بدهی بلند مدت را در مقایسه با ارزش ویژه نشان می‌دهد.

و طبعاً واحد تجاری که بدهی بلند مدت نداشته باشد از وضع بهتری برخوردار است.

مشروط به اینکه فروش یا سرمایه گذاری بلند مدت آن مطلوب باشد و به شرح زیر محاسبه می شود:

بدهی های بلند مدت = نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه

ارزش ویژه

این نسبت نشان می دهد که اگر همه ارقام بدهی بلند مدت به هر علتی حال (سررسید) شوند تا چه مقدار ارزش ویژه می تواند جوابگوی آن باشد و بالا بودن این نسبت بر نامطلوب بودن وضع مالی دلالت می کند.

۴- نسبت های سود آوری

از مقایسه صورت های سود و زیان هر شرکتی می توان اطلاعات جالبی در مورد کارایی و مدیریت آن به دست آورد. برای آنکه مؤسسات تجاری بتوانند انگیزه های برای سرمایه گذاران جهت سرمایه گذاری در مؤسسات ایجاد نمایند باید سود کافی تحصیل کنند تا بازده مناسبی برای سرمایه گذاران وجود داشته باشد.

و همچنین ارتباط مستقیم و زیادی بین تداوم فعالیت یک واحد تجاری و اقتصادی با میزان کسب سود مناسب برای انجام تعهدات و تأمین بازده سرمایه گذاری وجود دارد. که این نسبت خالص بازده درآمد فروش دارایی ها را منعکس می کند.

اهم این نسبت ها عبارتند از:

الف - بازده فروش

ب - بازده ارزش ویژه

ج - بازده دارایی

د - بازده سرمایه در گردش

الف: بازده فروش

این نسبت نشان می‌دهد که از هر یک ریال فروش چه میزان سود خالص به دست آمده است. یا به عبارتی بیان می‌کند که چه بخشی از مبلغ فروش سود می‌باشد. و به شرح زیر تعیین می‌شود.

$$۱۰۰ \times \frac{\text{سود خالص}}{\text{بازده فروش}}$$

فروش خالص

به این نسبت حاشیه سود نیز گفته می‌شود.

به عنوان مثال: اطلاعات زیر از شرکت الوند استخراج شده است.

ریال ۱۴۵/۰۰۰/۰۰۰

فروش خالص شرکت

ریال ۷۲۵/۰۰۰/۰۰۰

سود خالص شرکت

مطلوبست محاسبه بازده فروش

$$\text{بازده فروش} = \frac{۷۲۵.۰۰۰.۰۰۰}{۱۴۵.۰۰۰.۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵۰\%$$

ب: بازده ارزش ویژه

این نسبت حاکی از میزان سودآوری واحد تجاری است و بازده متعلق به صاحبان سهام را نشان می‌دهد. وقتی این نسبت با بازده دارایی مقایسه کنیم اثر استقراض و

اهرمی عمل کردن وام در تحصیل سود مشخص می‌شود. و به شرح ذیل تعیین می‌شود:

$$۱۰۰ \times \text{سود خالص} = \text{بازده ارزش ویژه}$$

ارزش ویژه

برای محاسبه نسبت مذکور از مانده ارزش ویژه اول دوره مالی استفاده می‌گردد.

ج: بازده دارایی

بازده دارایی از مقایسه سود خالص با جمع دارایی‌های واحد تجاری به شرح زیر به دست می‌آید:

$$۱۰۰ \times \text{سود خالص} = \text{بازده دارایی}$$

جمع دارایی

هر چند دارایی‌های مولد نقش مهمی در کسب سود دارند و هر چند دارایی‌ها با کارایی بیشتر استفاده شوند واحد تجاری سود بیشتری کسب خواهد کرد.

بعنوان مثال: اگر سود خالص شرکت ۱۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد و جمع دارایی‌های آن ۱۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بنابراین بازده دارایی‌ها به صورت زیر محاسبه خواهد شد.

$$\text{بازده دارایی} = \frac{124.000.000}{155.000.000} \times 100 \Rightarrow 0,8 \times 100 = 80\%$$

د: بازده سرمایه در گردش

این نسبت رابطه سرمایه در گردش با سود واحد تجاری را نشان می‌دهد. افزایش نسبت مذکور دلالت به کمبود سرمایه در گردش می‌کند. و به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$۱۰۰ \times \frac{\text{سود خالص}}{\text{بازده سرمایه در گردش}}$$

سرمایه در گردش

فهرست منابع و مآخذ

- اصول حسابداری جلد دوم سازمان حسابرسی تألیف مصطفی علی مدد و نظام الدین ملک آرایی - مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی.
- تجزیه و تحلیل صورتهای مالی دکتر فضل ا... اکبری، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی.
- حسابداری مالی، تکمیلی شهرام روزبهانی.